

افغان مینې مارکیت عرضه کوننده انواع مواد خوراکه وطنی

یگانه مغازه افغانی در منطقه واشنگتن بزرگ که تازه ترین موادخوراکی، انواع میوه های فصل، نان های تازه وطنی، روت ها، میوه های خشک تازه وارد از افغانستان، وگوشت های تازه مرغ، بره، گوسفند، گوساله و گاو را با بهای مناسبیت تقدیم میکند ارسال پول به تمام دنیا بزودترین فرصت با **Western Union** 6566 Backlick Rd.Springfield, VA 22150 Tel:703-644-0186 Celf:703-499-3313

در امریکانه

\$1.50

شمارهٔ بیست و دوم /سال بیست چهارم / جمعه ۲۷ حمل ۱۳۹۵ / ۱۵ اپریل ۲۰۱۶ / شمارهٔ مسلسل ۱۰۱۷

به حاکمان دشمنِ مردم میهن

بد تر از دوران چنگیز است دوران شما
پیش مردم شد هـــویدا راز پنهان شما
خشم تاریخ است، می آید به پرسان شما
پر تو نادری

ای به خون مردمان، آلوده دامان شما

عاقبت ای مـــی گساران جنون خودسری
نفرت مردم که می جوشدکنون درسینه‌ها

بزرگداشت نورو ز باستانی و آغاز سال نو در شهر فریمونت کالیفورنیا



مطلب مربوط به عکس بالا درصفحات داخل است.

بیشتر افغان ها در انتخابات اشتراک خواهند کرد

۱۱ اپریل/ کابل -بی بی سی:نتایج نظر سنجی تازه‌ایکه ازسوی شبکه فوکس FOCUSدرافغانستان اجرا شده، نشان میدهد که بیش از ۵۲٪ کسانیکه قبلا درانتخابات اشتراک کرده بودند، نپخواهند بار دیگر درانتخابات شرکت کنند. نجیب الله آزاد، رئیس شبکه فوکس در مراسم اعلام نتایج این نظر سنجی سه شنبه ۲۳حمل در کابل گفت این نظر خواهی ۱۰ هزار و ۵۱۲نفر در ۳۴ ولایت صورت گرفته است. بیش از ۸۰٪ اشتراک کنندگان نظرسنجی رامردان و حدود ۱۱٪ رازنان تشکیل می‌دهند. همچنین، بیش از سی درصد اشتراک کنندگان نظرسنجی باسواد هستند.شبکه فوکس نظرسنجی را سراسری خوانده میگوید.اندین نظر سنجی تنها در ۴۱ولسوالی ناامن انجام نشده است. نتایج نظر سنجی نشان میدهد که بدنیا لدسردی مردم از انتخابات ریاست جمهوری گذشته، بیش از ۵۲٪ اشتراک کنندگان همه کسانی بودند که قبلا در انتخابات رای داده بودند، گفتند در انتخابات پارلمانی پیش رو شرکت نخواهند کرد.

انتخابات ریاست جمهوری و شوراهای ولایتی سال ۲۰۱۴ با ادعای تقلب‌های گسترده همراه بود. در پایان این انتخابات دو نامزد پشتاز در تفاهم با یکدیگر و بر اساس یک توافق نامه سیاسی حکومت وحدت ملی را تشکیل دادند. آزاد می گوید: افزون بر نگرانی‌های مردم از نحوه برگزاری انتخابات، عملکرد نمایندگان فعلی پارلمان براراده آنها در شرکت نکردن در انتخابات نیز نقش داشته است. نظر سنجی نشان میدهد حدود ۳۰٪ مصاحبه شوندگان، مجلس نمایندگان را خانه ملت نه، بلکه محل تجمع دکانداران و کمیشنکاران خوانده اند.بیش از ۵٪ابه این باورند که اکثریت نمایندگان در فساد دست دارند. بیخبری آنان از وضعیت موکلین شان، بی سواد بودن شماری ازایشان، دستاوردندداشتن پارلمان درده سال گذشته، ناامنی، احتمال راه‌یابی زورمندان به مجلس و خدمت کردن نمایندگان تنها به اهالی منطقه شان، از دلایل دیگری بود که اشتراک کنندگان برای شرکت نکردن در انتخابات به آن اشاره کرده‌اند.

ازشکایات دیگر مردم عدم دسترسی به نمایندگان بوده است. در نظرسنجی فوکس ۴۱٪ مردم گفته‌اند نمیتوانند نمایندگان شانرا در کابل پیدا کنند و بیش از ۱۲٪ از رفتار نادرست نگهبانان نمایندگان با موکلین شان انتقاد کرده اند. بیش از ۲۶٪سفر کم نمایندگان به ولایات شان شکایت کرده‌و گفته‌اند درین سفرهای محدود هیچ سفری به ولسوالیها نیز انجام نمیشود. در نتیجه این نظر سنجی تنها نزدیک به ۴۴٪ از کار کرد نمایندگان شان راضی بودند.

ظاهر قدیر، معاون مجلس نمایندگان در واکنش به این نظرسنجی به بی بی سی گفت دلایل نارضایتی مردم از نمایندگان بیشتر وابسته به عملکرد ضعیف حکومت است. او دست داشتن اعضای مجلس در فساد اداری را رد نمیکند، اما میگوید فساد در پارلمان به اندازه فساد در حکومت نیست.

به تازگی نظرسنجی نهادهو کراسی بین الملل نیز منتشر شد. این نظر سنجی برخلاف نظرسنجی فوکس، از موکلین نه، بلکه از نمایندگان مجلس انجام شد که نشان میدهد ۹۲٪ نمایندگان باورمندند که پیش از هر انتخاباتی، باید اصلاحات انتخاباتی در کشور اعمال شود. همچنین اکثریت مطلق درین نظرسنجی معتقدند وضعیت امنیتی در ولایات شان نسبت به سال گذشته به شدت خراب شده و آنها بخصوص از حضور داعش نگرانند. درین نظرسنجی ناامنی از دلایل عمده مانع سفر نمایندگان به ولایات شان عنوان شده است.

وزیر داخله و دامنستان رای اعتماد گرفتند

۱۹ پریل/ کابل -باختر: دگر جنرال تاج محمد-جاهدو محمد فرید حمیدی امروز از مجلس نمایندگان رای اعتماد گرفتند. نخست نامزدان برنامه های کارشانرا بیان کردندلوپس از آن راگیری آغاز شد. دگر جنرال جاهد با کسب ۱۹۰ رای موافق به کرسی وزارت داخله و محمد فرید حمیدی با کسب دوصدرای موافق به کرسی دادستانی دست یافتند. این جلسه با حضور ۲۲۵ نماینده برگزار شد .

دنبالهٔ خبر بزرگداشت امیرعلیشیر نوایی از ستون سوم:

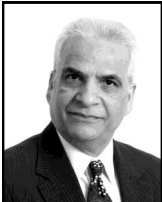
علیشیر نوایی (زادهٔ ۸۴۴هـ ق در هرات - در گذشته ۹۰۶هـ ق) شاعر، دانشمند و سیاستمدار برجستهٔ روزگار حکمرانوی تیموریان و از افراد مورد اعتماد سلطان حسین بایقرا، پادشاه تیموری در سده هفتم و هشتم هجری قمری بود. شمار آثاری که تدوین آنها را به امیر علی شیر نسبت داده‌اند، حدود ۳۰ تا ۱۹۰ اثر است که به زبان‌های فارسی و ترکی -جغتایی نوشته شده‌اند.از اوبعنوان یکی از بنیانگذاران ادبیات ترکی -جغتایی نام برده می‌شود.او در ۵۱ سالگی هرات به خاک سپرده شد.

بنام خدا

شمارهٔ ۱۰۱۷

بیمه استیت فارم

LIKE A GOOD NEIGHBOR, STATE FARM IS THERE.®



For your insurance and financial needs, see State Farm agent: **Afzal Nasiri, Agent**
8704 Sudley Road
Manassas, VA 20110-4405

703-369-6224

ماری خلیلی ، افضل ناصری

خانه، موتو، صحت
حیات، تجارت



قانون شکنی وسوء استفاده از صلاحیت در وزارت اطلاعات وفرهنگ

۲ اپریل /روزنامهٔ ۸صبح - کابل :یافته‌های روزنامه ۸صبح نشان میدهد که مسئولان وزارت اطلاعات وفرهنگ ضمن سوء استفاده ازصلاحیتها، به تخلف در قراردادها، اجرات غیرقانونی و تصفیه قومی در پست‌های بلند این وزارت دست زده‌اند. براساس این یافته‌های ۸صبح، باری جهانی، وزیراطلاعات و فرهنگ، هزینه سفرهای غیررسمی به بیرون از کشور را ازبودجه این وزارت پرداخته و از همین بودجه نزدیک به دو میلیون افغانی را برای منزلش وسایل و تجهیزات خریده است.

مصارف شخصی وزیر از بودجه وزارت : مکتوب شماره ۲۱۳، تاریخ ۱۳۹۴/۱۸/۱۲ که از آدرس آن وزارت به ریاست جمهوری نوشته شده، نشان میدهد که وزیر اطلاعات و فرهنگ حتا پرداخت مصارف برق منزل شخصی و تداوی دندانهایش را ازبودجه دولت استفاده میکند. درین مکتوب آمده (بدین وسیله یک قطعه بل دوره سوم میترخوانی حاوی مبلغ ۹۶۵او یک قطعه بل دوره چهارم میترخوانی بشمول باقیات گذشته جمعا حاوی مبلغ ۸۵۱۹۵افغانی مصارف برق منزل اینجانب وهمچنان یک قطعه بل کلینیک جوف دهن ودندان الشفا بابت تداوی دندانهایم حاوی مبلغ ۱۰۵۰۰افغانی جمعا مصارف فوق الذکر حاوی مبلغ ۷۰۶۶۰افغانی. بدینوسیله آرزو مندم مبلغ متذکره رابه مصرف قطعی از دخل بودجه وزارت اطلاعات و فرهنگ منظور نموده ممنون سازید.(ص۸)

بزرگداشت امیر علی شیر نوایی

۱۱ اپریل/ کابل -بی بی سی: همایش بین المللی گرامیاداشت ۷۵۵مین سالروز تولدامیرعلی شیر نوایی شاعر، متفکر و سیاستمدار ترک تبار دوران تیموریان در افغانستان درامروز ارگ گشایش یافت. در این همایش صدهاشخصیت علمی و فرهنگی از افغانستان و از کشورهای ازبکستان، تاجکستان، ترکیه، هند و پاکستان شرکت دارند.نخستین روزاین همایش فرهنگی در ارگ تحت تدابیرشدید امنیتی برگزار شد وبرای پنج روز در کابل، هرات و مزارشریف با برنامه‌های متنوع ادامه خواهد یافت.این همایش به هدف بررسی مقام علمی، نقش سیاسی و اجتماعی این وزیردوره تیموریان برگزار شده است .



غنی احمدزی گفت:امیرعلیشیر نوایی، در آثارمختلف خود، به توصیه های اخلاقی میپرداخت وبه حاکمان گوشزد میکرد که در مورد رعایای خودعدالترا مراعات و ازظلم وبی انصافی اجتناب کنند.او یکی از اهداف این نشست را توجه به مساوات قومی در افغانستان خواند و گفت:قانون اساسی مامساوات همه مردن اعم از هر قوم و زبان ومنطقه راتا یادمیکند وبستر همبستگی ملی راپوخی هموار کرده است. تعهد مامساوات هر افغان باافغان دیگر و هر زبان با زبان دیگر است .

ملت روشن شدن قضیه ترور مسعود رامیخواهد

۸ اپریل /کابل -باختر: احمدضیا مسعود نمایندهٔ فوق العاده رئیس جمهور در امور اصلاحات و حکومت داری خوب با فرانس میسایل سفیر اتحادیه اروپا مقیم کابل امروز ملاقات نمود. درین ملاقات، در رابطه به پیگیری دوسیه تروراحمد شاه مسعود قهرمان ملی، روند صلح، مبارزه با تروریسم و توسعه حکومتداری خوب بحث همه جانبه صورت گرفت.نخست ضیامسعود پیرامون ترورشفید احمدشاه مسعودقهرمان ملی کشور صحبت نموده گفت دولت افغانستان و خانواده شان در طول ۱۴سال اخیر تلاش دارند تا عاملان اصلی ترور قهرمان ملی را بازداشت وبه پنجه قانون بیارند ولی این تلاش ها تا حال نتیجهٔ نداشته است. او یادآورد شد که شهادت ونوبدقهرمان ملی افغانستان یک ضایعه جبران ناپذیر بوده، و ملت افغانستان خواهان روشن شدن این قضیه هستند، تا عاملان اصلی آن دریافت شود.

اخیرا مظنونینی که در انفجار های شهر بروکسل بازداشت شده بودند، مطابق اظهارات شان یکی از آنان طراح ترور قهرمان ملی افغانستان بوده است. سپس سفیر اتحادیه اروپا یگفت حوادث اخیر اروپا مورد پیگرد جدی مسئولین بوده و بخصوص کشور بلجیم و فرانسه اقدامات لازم را به خرج می دهند، موصوف وعده سپرد تا این موضوع را مورد پیگیری قرارداده و نماینده فوق العاده رئیس جمهور را در جریان میگذارد. درین دیدار سفیر اتحادیه اروپا گفت تروریسم یک شبکه جهانی و تهدید آن نه تنها در منطقه بلکه بر اروپا نیز محسوس می باشد.

در حمله انتحاری ۱۲ نفر شهید و ۲۶ نفر زخمی شدند

۱۱ اپریل /کابل -باختر: در حمله انتحاری امروز بر موتر مجولین اردوی ملی ۱۲ تن شهید و ۲۶ آنان زخمی شدند. این حمله در دوراهی درونته ولایت ننگرهار بر موتر که از جلال آباد به کابل در حرکت بود، توسط سه چرخه زنج صورت گرفت. زخمی ها به خاطر تداوی به شفاخانه انتقال داده شده اند .

عبدالودود ظفري

الميدا - كاليفورنيا

كرزى و احمدزى، دو زعيم منفور
مختلس، متقلب، راشى و مرتشى، خاځى وځاين درنظام مصون ميباشند
بخش بزرگ ناسامانى ها، رنجهاي يى بايان، نارضايتى و نفرت درحال انفجار
مردم افغانستان، ناشى ازعملکرد ناقص زعمای يى کفایت می باشد که منافع شخصی، خانوادگی، گروهی و قبیولی را بالاتر ازمنافع ملی دانسته ازامکانات و کمک های جامعهٔ جهانی سوءاستفاده کرده اند.

بامشاهدهٔ کج رویها، حقه بازبها وروش ضدملی کرزی، شمارزیاد دانشمندان وناظران اوضاع که خواهان حکومت قانون، عدالت اجتماعی، صلح وثبات می باشند،طی نوشته ها، مناظره های تلویزیونی ودیگروسایط جمعی اطلاع رسانی، اضرار وخسارات ناشی ازقبیله پرستی، طالب خواهی، زورگویی، تفوق جویی، ادعای نادرست اکثریت واکلیت، حیف ومیل عواید گمرکات، چپاول داراییهای مردم ازیانکها، تولیدتریاک، سوءاستفاده ازمقامهای دولت اختلاس از بودجهٔ دولت، فرار سرمایه، نبود امنیت، نبود کار، فرارجوانان، گریز اققانون، استفادهٔ شخصی ازرواردهاوخریداریهای ملیون دالری، تورم صف مشاورین مفتخور ویکاریبیان داشتند وزعامت رازا تأثیرات ناگوار آن هوشدار دادند، ولی نه کرزی ونه حالا احمدزی به آن هوشدارها توجه لازم نشان ندادند ونمیدهند. کج رویها وناسامانها کماکان ادامه داردو کشور دریک حالت خیلی بدقرار گرفته است.

حکومت ۱۴سالهٔ کرزی نه تنهاپرازحقه، ریا وتقلب بود، یک حالت بی مسئولیتی و(Laissez-faireسیاست اقتصادی بنیدوار) راایجاد کرد که هرکسی هر چه خواست انجام دادوبه جور وچپاول پرداخت، آنچه باید درنوسازی وبازسازی کشورصورت میگرفت به بیراهه سوق داده شد، زندگی مردم پهبود نیافت، نارضايتی ونفرت روزتاروز افزوده شد وبه اوج خود رسید.

حکومت ناکارهٔ وحدت ملی آقایان غنی وعبدالله هم باشعارهای میان تهی ووعده های مفت، بهترازحکومت کرزی نبوده دریک سال ونیم کارمثمر قابل ملاحظهٔ انجام داده توانست ووعده های داده شده را عملی نکرد. احمدزی وعده داده بود که بدخشان رامرکز تجارت بین المللی میگردداند، صدها هزار کار خلق میدارد، به معلمین مکاتب در جریان شش ماه زمین برای اعمارخانه میدهد، انارشی، خودسری، فساد گسترده رامحو میسازد، فرهنگ سرپرستی رادرمقامات بلنددولتی ازمیان برمیدارد، قانون راحاکم میسازد، درمقرری هادانش و شایستگی رادرنظرمیگیرد، کشت تریاک راناوودیگردداند وسیستم انتخابات را اصلاح می کند ! ماهمه شاهدیم که هیچیک ازوعده هایش تحقق نیافت، اکنون آقای احمدزی خودرا دراجرای امورمشروط می خواند، درحالیکه مردم ویرا یک زعیم ناکام مطلق ودمدمی مزاج مبیندازندوسخت ازاو تیم کاریش نفرت دارند. حرکات مضحکش هنگام سخنرانی، خنده های بیجا، چیغ های کر به وناهنجار در اجتماعات رسمی، مزاح های بی مزه وبعضاً دور ازادب او انسان رابه فکرمی اندازد که غنی احمدزی مردمفتکر دوم جهان نه، بلکه دیوانهٔ اول جهان می باشد. ازدورنمای اوضاع ونا کارگی حکومت وحدت ملی چنین استنباط می گردد که حکومت دوسره ودوجانحی وحدت ملی، بداشتن نگاه هاو نظرات متفاوت وحتاخصومت آمیز، درسه ونیم ساله باقی مانده هم کارمؤثر کرده نمی تواند، وهل به مشکلات حادافغانستان توفیق نمی یابد، زیرا تاکنون حتا شرایطی که برمبنای آن حکومت وحدت ملی شکل گرفت ومتعهد شدلوبه جرگه خواسته میشود وباتعدیل قانون اساسی، پست ریاست اجراییه به نخست وزیری تغییرمیکند، عملی نشده است.

دز زمان زمامداری آقایان کرزی، احمدزی وعبدالله اتهامات زیاد اختلاسهای خیلی کلان، رشوه وجوروچپاول براشخاص بلندمقام دولتی شامل حلقهٔ نزدیک به ارگ واردشد ودرسانه های داخلی و خارجی انعکاس یافت. مردم انتظار داشتند که اتهامات بصورت دقیق مطالعه وبررسی وتنايج آن به اختیارعام گذاشته شود، نه کرزی ونه احمدزی برای دریافت صحت وسقم آنهاتوجه نکردند و مردم را که حق مسلم دارند ازاوضاع کشورشان مطلع باشند وازجریانات مثبت و منفی آگاه ساخته شوند، در تاریکی وابهام گذاشتند.

مشکل کلان زعمای کنونی آنست که خود را خادم مردم نه، بلکه حاکم مردم خیال مینمایندوافکارعامه را که ازطریق سانه هاپخش می شود، اهمیت نمی دهندو نارضايتی عامه راجدی نمی گیرند. اگر در گذشته زمامداران افغانستان به افکارعامه چندان ارزشی قابل نبودند، جامعهٔ آرتروزبخاطر پایان بودن سطح دانش، نبوددمو کراسی و آزادی بیان، واکنش جدی نشان نمیداد. ولی حالا اوضاع درجهان، منطقه و افغانستان دیگرگون شده وحرکت خوب یاخراب در آن واحذبگوش مردم میرسد وعکس العمل خلق مینماید. بهارعرب که تغییرات عمدهٔ درشرق میانه ایجادنمود، میتوان در افغانستان به وقوع برسد وبسیار تباهکن باشد. خشم مردم ناشی از نارضايتی عمیق مانندآتششان است، همه پرسى اخیر نشان میدهد که ۸۱٪ مردم ازاجرات حکومت وحدت ملی ناراض ميباشند که یک اختزار بسیار جدی به زمامداران می باشدوخدانا خواسته میتواند بایک جرقه، موجودیت افغانستان رابا خطر جدی متوجه سازد.

باوجودیکه فرصتهای زیادی ازدست رفته است، حکومت وحدت ملی میتواند بااصلاح خود بادر نظر داشت تقاضاهای مردم، نارضايتی هارا کاهش دهد وجلو توفان احتمالی رابگیرد. اکثریت مطلق کسانی که اذ داخل وخارج افغانستان به کرسههای بلنددولتی رسانیده شدند، درچور وچپاول دارایی های عامه، فساد، قاچاق، رشوت واختلاس قویا بدست دارند ومبالغ زیادی رابه خارج انتقال داده اند.

اکنون به مواردی اشاره میشود که مقامات بلنددولتی نزدیک به ارگ به اختلاس، رشوت، فساد وتقلب تاسرحدخیانت ملی دست زدند و بحران آفرینند. نه کرزی ونه احمدزی هیچ اقدامی علیه آنها انجام ندادندوحقایق کماکان پنهان ماند.

- ضیاءالحق امرخیل رئیس دارالانشای کمسیون انتخابات سال ۱۳۹۴ هنگام ارتکاب جنایت باالفعل گرفتارشد که ورق های را بدهی رابدون اطلاع کمسیون به صوب نامعلوم انتقال میداد. چون جرم خیلی سنگین بود، ازوظیفه استعفا داد واز کشورفرار کرد. امرخیل به تشویق کرزی+احمدزی پس از کسب اطمینان عدم پیگردقانونی به وطن بازگشت وباحفظ امتیازات سابق به کارمهم دیگری گماشته شد، وهیچ نوع جزایی دربرابر این عمل خابنانه ندید. جنرال ظاهر قوماندان امنیهٔ کابل که اورا دستگیر کرده بود ازوظیفه کنسارزده شدویک شخص طرف اعتماد کرزی، احمدزی جایش را گرفت ! (دنباله درصفحهٔ ششم)

Omair Weekly

P.O. Box 30818 Alexandria, VA 22310

Tel/Fax : (703) 491-6321 Cell:(571)435-4604

mkqawi471@gmail.com

ناشر و مدیر مسئول : محمد قوی کوشان

فرید امین
لیک وود - کلورادو
نشی ما در انتخابات امریکا بر خلاف تصور اشتباه ما هم پررنگ و هم خیلی سازنده خواهد بود
بنام الله بزرگ و زندگی عزت بار وباعرض سلام وادب! دوستان گرامی!
حتما اکثر خوانندگان ما توجه به مطالبی دارند که به افغانستان و حالاتش مربوط میگردد واکترا از حالات ناخوش آن ناخوش و مایوس هم میشوند. از گذشته ها مثلی داشتیم، میگفتند:(دستش به انگور نمیرسد، میگوید انگور ترش است). بقول این مثل، وبه واقعیت افغانستان هم انگور یست دور وهم ترش. به اصلاحات زیاد نیاز دارد ولی اصلاح کردن آن از نزدیک کار آسانی نیست چه رسد که راه از دور وباجرت وغم. افغانستان به یک انقلاب نه که چند انقلاب نیاز دارد. پس یابید دوستان عزیز که سرو کار به انگوری داشته باشیم که هم نزدیک است و هم چندان ترش نیست !

بعنوان شهروندان امریکا ، البته آنعده ماها که شهروندیم واز حقوق خود بعنوان شهرونداستفاده مینوایم، وجبیه ومسئولیتی درقبال داریم که اگر از آن درست استفاده ببریم ومعقولانه بکار بندیم، نه تنها در بالابردن حقوق مابنوان مسلمانان این کشور کارشایسته یی انجام داده ایم بلکه حتی نقشی در تغییر اوضاع افغانستان ترش حال نیز میتوانیم بازی کنیم. واین هم سخنان بعدی البته کوتاه و گذرا:
بخاطر اجتناب از ضیاع وقت ازسری مطالب میگذرم وبه آنهایی اشاره میکنم که اکنون مطرح ودر آینده نزدیک چنین خواهند بود. امریکا کشور اکثرا دو حزبیست: حزب جمهور یخواه ریبیلیکن Republican Partyحزب دمکر آنها Democratic Partyبنابر نبود فرصت درین مقاله از تشریح سایر احزاب میگذرم.



هیلری کلتن
اکنون فصل انتخابات امریکاست ، البته دوره ابتدایی آن یادرون حزبی. در این دوره، رای دهندگان یامربوطین هر حزب سیاسی به نامزدان مورد علاقه شان درانتخاباتهای ابتدایی که در ایالتهای مختلف برگزار میگرددند، به صدقهای رای میدوند. تا بالاخره ییشرین رای را یک فرد ازهر یک ازاین دو حزب از آن خود سازند ودر پایان این دو فرد ازدوجاه متفاوت یاختلف انتخاب شده، به مصاف همدیگروند. در آنحال اکثر مردم، بایست یکی از دو را بنابر علایق خود شان وشایستگی آنهابعنوان رئیس جمهور آینده امریکابگزینند. خوب حال یایییم روی این نکته بزرگ که چه گزیننه خوبی جلو ما قرار دارد و مابنوان یک اقلیت کوچک ولی داری حقوق چه کسی را از میان این همه نامزد انتخاب کنیم؟

حزب جمهور یخواه ریبیلیکن Republican Partyبصورت کل حزب جمهور یخواه راجنین تعریف میکنند: این حزب که اعضایش خود هاراپیروان دوا تشه دین عیسی (ع) میندازند و حمایت اکثر دینگرایان بلند پایه و کلیساهارابا خود دارند، پنج شاخص برجسته دارند:

۱- دین گرا ومحافظه کاراند وبدین به سایدایان بخصوص با اسلام اند. اسلام ستیزی کنونی ونفرت زایی که در حال رشد نیز است ریشه در اینها و دینداران حمایتگراینها دارد. فراموش نشود که گروههای ارتجاعی وخشونتگر(مسلمان نما) که به آسیای اینها آب میریزند، وسیله دست اینهاند که هر روز تیغ نفرت شان را بنام آنها تیز میکنند؛

۲- پشتیبان سفید پوستان و نترادگرا اند؛

۳- پشتیبان پول وشرکتهای غول پیکراند که نقش بارز در آلوده سازی نظام سیاسی بازی میکنند؛

۴- پشتیبان زور بوده و حامی زور و جنگ در جهان اند؛

هش دو وبژه مشترک شان با مسلمانان مطالب ظاهر ا اخلاقی وطرفداری شان از (نفس یاحیات) ومخالفت شان با سقط جنین است.

باتایید سریع ازتاریخ، میتوان گفت دریایان هردوره هر رئیس جمهور جمهوری خواه ، اقتصادمدیر کاراه فروریزی وشکست پیش میگیرد و بیکاری طورسراسم اوروبالا میرود. درحال حاضر اکثریت بالاتراز ۸۰ درصد مسلمانان بنابر موقوف این حزب وموارد بالا ازیاشان کناره گرفته و رای به صدق دمکرتها میریزند. بنا از صحبت در مورد انتخابات مقدماتی حزب جمهور یخواه میگذریم هرچند که گفتنیست که انتخابات شان از نظر محتوی و اهداف مبارزاتی یک ملت پیشرفته ومتمدن، خیلی در سطح پایین و کود کانه قرار دارد. پس توجه شما عزیزان را به حزب دمکرتها فرا میخوانم .

حزب دمکرات : دمکرتها زیاد از دین سخن نمیگویند درحالیکه اکثرنیز عیسوی و پیرو دین شان اند. اینهایشتر میکوشند همه شمول باشند و از حقوق اکثریت و اقلیت یکسان دفاع میکنند. شماری از گروه ها چون طرفداران سقط جنین و آنها ییکه خواهان آزادیهای غیر معمول چون همجنس گرایی وغیره اند که از نظر بعضی هانظام اجتماعی را بخطر مواجه میسازند و حمایت ادیان رایا خود ندارند ییشتر گرد این حزب جمع میابند تا بحقوق شان برسند. دمکرتها طرفداران محیط زیست نیز اند وبا عوامل آلوده سازی محیط زیست شدید مبارزه میکنند. باز هم باتایید سریع ازتاریخ، می توان گفت دریایان هردوره هر ریاست جمهور دمکرات، اقتصاد امریکا در حال رشد و گوارا وبیکاری کم میباشد. اکثر مسلمانان امریکا در حمایت از اینها مشغولند.

اکنون حزب دمکرات دونامزد ریاست جمهوری دارد: یکی خانم هیلری کلینتن Hillary Clinton. خانم رئیس جمهور سابق و وزیر خارجه وهم سناتور ایالت نیویورک بود، و دیگری آقای برنی سندرز Bernie Sanders، سناتور ایالت ورمانت Vermont .

حال میاییم سراصل مطلب که کدامین از ایندو شخصیت، شایسته ترین اند تا ما او را بعنوان رئیس جمهور آینده خود برگزینیم .

نخست فراموش نباید کرد که اگر برنده انتخابات هر کدام اینها باشند، دریایان

عطا محمد نور: به زور نمی توانند حذفم کنند

دوشنبه ۱۶ حمل ۱۳۹۵ - نویسنده گان: جواد سخنيار و رود نوردلند
برگردان: ضيا صادق منبع : نيويارک تايمز - مزار شريف
عطا محمد نوريکي ازابان بگران برجسته عرصه سياست افغانستان ميگويد مايل است خودش ازيست ولايت بلخ کنار برود در صورتیکه حکومت مرکزی مجددا او را در مقامش ابقا کند. عطا محمد نور یک ونیم سال قبل از ولايت بلخ که مرکز مهم تجارتي است، توسط رئيس جمهور غني احمدزی بعنوان جزیی از برنامهٔ برکناری تمام ۳۴ والی ولایات افغانستان برکنار شد وبه عنوان سرپرست معرفی گردید. اما آقای نور نه اداره ولايت بلخ راترک کردونه هم صلاحیت هایش را که از ۲۰۰۴ به این طرف در اختیار دارد واگذار کرد. تاکنون دولت غنی احمدزی هم او را به شکل علنی زیر فشار قرار نداده است.

بن بست ها درباره وضعیت سیاست داخلی درافغانستان و کشمکش های داخلی میان هردو تیم که هر کدام ادعا داشتند پیروز انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۴ اند ادامه پیدا کرد. آقای نور در مصاحبه با نیویارک تایمز گفت:(من باید موافقت رسمی رئیس جمهور رادریافت کنم) ودوباره در این پست تقرر پیدا کنم (در این مورد تصمیم خواهم گرفت). آقای نور میگوید: اگر لازم باشد که کنار بروم، بعدا تصمیم خواهم گرفت که چکار کنیم وچه کسی به عنوان والی بلخ در اینجا بیاید. مردم بامن هستند و هیچکس نمیتواند به زور مرا از وظیفه بر کنار کند. تنش های جناحی از چندین ماه بدینسو ساختار تشکیلات سیاسی افغانستان را به چالش مواجه ساخته بود و ماه قبل این روند سبب ایجاد تنشهایمان هواداران آقای نور وطرفداران معاون اول رئیس جمهور، جنرال عبدالرشید دوستم شد. جنرال دوستم از دریزمانی به اینسو بعنوان رقیب عطا محمد نور محسوب می شود، تنش ها میان هواداران جنرال دوستم وعطا محمد نور زمانی بالاگرفت که آقای نور تصویر جنرال دوستم را از یک بلبورد در مرکز شهر مزار شریف پایین کرد. همچنان این دو در دولت نیز حضور دارند وبرضد شور شرگی مبارزه میکنند. این درحالی است که افغان ها از جنگ داخلی دهه ۱۹۹۰ یادآوری می کنند، زمانی که آقای نور و دوستم باهم دیگر می جنگیدند و در سنگر نبرد با طالبان نیز حضور داشتند. عطا محمد نور از مردان قدرتمند تاجیک در شمال افغانستان به حساب میرود. او در جریان مبارزات انتخاباتی از حامیان اصلی عبدالله عبدالله به شمار می رفت، فردیکه حالا بعنوان رئیس اجرایی قدرت راباغنی احمدزی در حکومت وحدت ملی شریک ساخته است. در مقابل جنرال دوستم از رهبران ازبک، از حامیان رئیس جمهور احمدزی بود. در تیم رئیس جمهورانگیزه قوی برای برکناری آقای نوروجود دارد. چنانکه ولايت بلخ از منابع قوی ودر آملزا به شمار میرود، گزارش هایی زیادوجود دارد که آقای نور با کنترل و بر بنادر تجارتي پرسود درامتدادبا مرزبا هسياهای شمالی چون ازبکستان و تاجیکستان ثروت هنگفتی اندوخته است. حالا انتظار می رود تا فرد بعدی بخشی از این ثروت ها را بازگرداند. آقای نور درخانه مجلس که در آن قنبدیل بزرگی اویزان بود نشست تا در مورد آینده اش وحکومت وحدت ملی حرف بزند. او اکثرا با لحن تندی درباره مخالفان سیاسی اش در حکومت صحبت کرد. هم چنان آقای نور درباره جنگ هایش بر ضد طالبان نیز صحبت کرد.

در اینجا گزیده های از مصاحبه آقای نور را می خوانید

س: نظر شما در مورد شایعات برای کنار رفتن از ولايت بلخ چیست؟

ج: من تاکنون درین مورد بیامی دریافت نکرده ام. بارئیس جمهور دو باردیدار کرده وباجزییات صحبت کردیم. مادر باره آوردن تغییرات نیز بحث کردیم و من به رئیس جمهور گفتم این ولایت برایم میراث نامذنه است که برای همیشه والی آن باشم و مثال زدم که اگر آب برای مدت طولانی دریک جای ایستاده بماند گندیده خواهد شد. اما این را نیز برایش گفتم که من نمیخواهم قربانی شعار های انتخاباتی شما باشم.

س: دیدگاه شما در باره مشروعیت وثبات حکومت چیست؟

ج: حکومت مشروع، به حکومتی گفته میشود که در نتیجهٔ انتخابات آزاد وعادلانه ایجاد شده باشد؛ یعنی در نتیجه انگنستان آبی رنگ مردم. اما، حکومت کنونی براساس یک توافق سیاسی ایجاد شده است. حکومت وحدت ملی تنها مشروعیتش راز همان توافقی که توسط دو تیم امضا شده است میگیرد. مشروعیت این توافق برای دوسال بوده که تنها چهار ماه از تاریخ پایان آن باقی مانده است. همچنان این حکومت اراده و رای مردم رابه تمسخر گرفته است. با آنکه تیم مورد حمایت ما در حکومت حضور دارد، اما بدینخانه حرف مارا گوش نمیکند. توافق سیاسی حکومت وحدت ملی درحال حاضر اجرا نمیشود. تا کنون تنها کابینه تشکیل شده و توافقات دیگر حکومت اجرا شده است. برعلاوه داکتر عبدالله در تصامیم بزرگ و استراتژیک شامل نمی باشد. من هرگز آرزوی فروپاشی حکومت وحدت ملی رانخواهم کرد. مهم نیست چقدر ضعیف باشد، این بهتر از آنست که هیچ حکومتی نداشته باشیم. واین نهایت خطر ناک خواهد بود. مردم مادوست ندارند تجربه های تلخ گذشته رادریگر تکرار کنند.

س: در مورد تنش های ایجاد شده میان هواداران شما و جنرال دوستم نظر تان چیست؟

ج: به چالش کشیدن امنیت در شهر مزار شریف توطیه بود. نمی خواهم در مورد دست آوردهایم مباحثات کنم و آنرا به رخ دیگران بکشم. اما متذکر می شوم که این تنها ولایتی است که امنیت به معنی واقعی در آن وجود دارد. انکشاف وبازسازی خوبی در آن صورت گرفته است. آنها نمیتوانند این موضوع راتحمل کنند و به تخریب آن می پردازند.

هواداران جنرال دوستم تلاش کردند تا از ولایات خود به اینجا بیایند. آنها می خواستند با تانک وهاموی وجنگ افزار از ولایت های خود به مزار شریف بیایند. اما مامانع ورود آنها شدیم واین دستور من بود که آنها را ایستاد کنند. آنها مکررا گفتند که این یک حرکت دموکراتیک بود اما من برای شان گفتم که آوردن مردم از ولایت های شان برای خشونت، دموکراتیک نیست. دموکراسی با هاوان و تانک چه کرده می تواند؟ آن ها تمام تانک ها را از کاخ جنرال دوستم در شیرغان آورده بودند. واضح است که بعضی از نیروهای امنیتی افغانستان از دستورات معاون رئیس جمهور اطاعت میکنند، ولی ما از رسیدن این هرج ومرج به شهر مزار شریف جلوگیری کردیم. / (روزنامهٔ هشت صبح)

ناگزیر خواهیم بود در ماه نوبمر به او رای دهیم تا حد اقل در برابر خشونت ها ونفرت ها ایستاده باشیم . ولی اکنون باید بکوشیم بهترین راز میان (دنباله در صفحهٔ ششم)

افغان فونديشن تقديم می کند :

داکتر عزيز غوثي : تاريخ افغانستان از ۱۹۱۹ تا ۱۹۳۳

با سر نوشت هفت پادشاه ما

برای خوانندگان امید : ۲۵ دالر (شامل هزینه پست)

The Afghan Foundation, 2242 Peak Place, Thousand Oaks, CA 91362

Telephone: 805 241 0780

مصاحبه با داکتر سیدمخدوم رهین وزیر پیشین اطلاعات وفرهنگ

اخیراًجناب داکتر سیدمخدوم رهین، وزیر پیشین اطلاعات وفرهنگ، برای دو هفته به ورچینیا آمده بودند. بااستفاده ازفرصت، مصاحبهٔ کوتاهی باایشان به عمل آمد، که حاوی مطالب ناگفته وتازه دربارهٔ اوضاع کشور میباشد. متن مصاحبه ذیلاً تقدیم میگردد. اداره

پرسش: جناب داکتر رهین، شما طی دودوره بیش ازدهسال مسئول یکی از وزارت های کلیدی افغانستان، یعنی اطلاعات، فرهنگ، تورسم وجوانان بودید. حالاکه دیگر مسئولیت حکومتی ندارید، دربارهٔ گذشته وحال چه فکر میکنید؟



داکتر سیدمخدوم رهین

پاسخ : در طول مدتی که من ادارهٔ این وزارت رابرعهد داشتم، همانطور که مردم افغانستان شاهدآن بودند، درراه احیای این وزارت که تقریباً همه چیز آن نابودشده بود، ونیز اعمال آزادی بیان و رشد رسانه هاوخدمات بیشمار فرهنگی عاشقانه تیدیم وباهمهٔ مشکلات ومحدودیتهایی که برسرراه بود، خوشبختانه درین راه درحد مقدور توفیق یافتم . نخستین کارم تدوین قانون رسانه های همگانی بود که درطرف یکماه آماده شد ودرماه دوم تأسیس ادارهٔ موقت نخستین قانونی بود که درافغانستان نوین افتخار انفاذ یافت، بسیار پیشتر ازآنکه قانون اساسی تلوین وبه لویه جرگه تقدیم شود.٬ درواقع قانون رسانه های همگانی به منزلهٔ فرزندی بود که مدتها پیش از تولد مادر به دنیا آمد.٬ نتایج درخشان آنرا باظهور بیش ازیکهزار نشریه ودههاتلو یزیون وشمارچشمگیری فرستنده های رادیویی، ده هامطبعه ومرکز نشر و آژانهای خبررسانی دیدید. بعد از آن هم بااستقامت وپایداری در برابر زورگویی هاو کونه نظری ها از ارزش های این قانون وحقوق خبرنگاران قاطعانه دفاع کردم، تابدان حد که همراه با خبرنگاران منتم به دادگاه نیز حضور یافتم. حالا دیگر در افغانستان آزادی بیان که رکن استواردمو کراسی است، درراه بی باز گشت پاتهاده ونهادینه شده است.

پرسش: از مشکلاتی که برسر راهتان بود یاد کردید. این مشکلات چه بود؟

پاسخ : نداشتن بودجهٔ کافی بغرض ایفای خدمات درعرصهٔ فرهنگ وهنر و تورسم وجوانان یکی از مشکلات بود. میدانید که بودجهٔ این وزارت باهمه طول وعرض آن سالانه صفر اعشاریه ۱۷ درصد بود. به نظر اولیای امور اینگونه خدمات تجملی جلوه میکرد. نیاز به رشد و ارتقای فرهنگ آن هم برای ملتی که یگانه مایهٔ افتخار آن میراث فرهنگی آن است، برای دوستان چندان اهمیت نداشت ! افزون براین در یکار در برابر ترور وهراس افکنی تنها تنگد در کار نیست (اگر چه تنفگ راهم آنطور که می بایست بکار نبردم)، امروز جنگ باترورسم جنگ فکری است، جنگ ایده هاست، جنگ تمدن با توحش است، و درواقع جنگ دوفرهنگ است: فرهنگ عشق به زندگی ومردم و کرامت انسان و آزادی مدنی، در برابر جنون کینه ورزی، نفرت و مرگ وخون .

مایتوانستیم ارزشهای بزرگ انسانی میراث فرهنگی مان را که مالا مال ازعشق به انسان وبه کائنات ودوست داشتن وبخشایش واحترام ومحبت به پیروان همه ادیان وهمهٔ ملل ومدارا با شیوه های گوناگون زندگی و روشهای مختلف اندیشیدن است، درراه نبرد باتعصب و کونه نظری و انسان ستیزی بکار گیریم ونسل جوان خود را باجنین ارزشهای والا آشنا سازیم وتریت کنیم، وجهان رابنرا زین فرهنگ بزرگ آگاه سازیم.

دوهفته پیش من به مجلس بزرگ جهانی که بعنوان (تصوف اسلامی و مشکلات کنونی جهان) وباشعار(عشق بی قید وشرط برای همه) که از طرف (انجمن سراسری علما ومشا یخ هندوستان) دایر شده بود، دعوت شده بودم. اهل تصوف از همهٔ جهان از شرق وغرب در آن اشتراک داشتند. از گانا تا ناروی واز امریکا تاقرقستان وآستریا و چین. از افغانستان مرادعوت کرده بودند، هر چند که بقول سعدی (نه از درویشان بل خاک پای ایشان). در آن محفل وبزم (کنشکان خبجرتسلیم) درین بحث سخنهاو حالها رفت. بهر حال، صحبت ازمواع ومشکلات وی تو جهی دولت به فرهنگ بود. البته من در برابر این مواع از تلاش وتپش باز نمی ایستادم وناچار دست استمداد بطرف موسسات خارجی وتاجران ملی دراز میکردم. بطور مثال درنخستین سال خدمتم، روزی دریک مراسم فاتحه به منزل دوم مسجدشاه دوشمشیره رفتم. ازدحام زیادبود ووقتی مردم گروه گروه از جلو فاتحه داران میگذاشتند، صحن مسجد چنان فریادمیکشید که ترسیدم در همانروز فرو یفتند. فردا اول صبح باجناب جنرال زورلو فرمانده عمومی نیرو های بین المللی تماس گرفتم ودربارهٔ وضع واهمیت این مسجدقدیمی پایتخت تذکر دادم. جنرال زورلواهل ترکیه ومردخوبی بود. رادیو آزادی مربوط به نیرو های بین المللی را که نخستین رادیوی غیر حکومتی در کابل بود، در زمان فرماندهی او افتتاح کردم. او بدیپرفت که مسجدشاه دوشمشیره راترمیم کند. در چنین مواردی نمی خواستم که پول ترمیم بناهای تاریخی وباتازه به وزارت پرداخته شود، ترجیح میدادم پول را خودشان مصرف کنند اماهمه امور ترمیم وبازسازی زیر نظر افراد فنی وزارت صورت گیرد .

در همین حال خواستم آرامگاه شاه دوشمشیره وصحن این آرامگاه که در آن چند تن از بزرگان مثل مرحوم حاجی صاحب درویش وشهزاده سردار کبیر جان برادر کهنترین شاه امان الله غازی وکسان دیگر غنوده اند وبر اثر حملات راکتی و مرور زمان دروضع نابسامانی قرار داشت، نیز ترمیم شود. درین بخش از آقای عبدالغفار داوی نواسهٔ شخصیت نامدار مبارز تاریخ معاصر مرحوم عبداللهادی داوی، که از تاجران ملی وجوان نازنینی است، مدد جستم و او با خوش شروبی وعلاقه پذیرفت .

شمارهٔ ۱۰۱۷

گفتگو با پروفیسر مجاور احمد زیار زبانشناس افغان
دو پیچه ویله: آیا فارسی و دری یک زبان اند؟ پروفیسر زیار: اصول و ضرورت واژه سازی در زبان ها طی سه صد سال تحقیقات خاور شناسی، زبان شناسان این را دریافته اند و حدود و تغور آن را تعیین کرده اند که لهجه هیچ وقت زبان شده نمیتواند. تنهاچندنو بسنده بی بودند وخواستندرقانون اساسی ۱۳۴۳ تنها یک کلمه دری رادرج کردند در حالیکه لااقل کلمه فارسی همراهش بایمیی بود و باید فارسی دری می گفتند. این غلط مشهور از آن وقت به این طرف (۳۰-۴۰) سال ادامه پیدا کرده ؛ و گرنه همان یک زبان فارسی است.

دو پیچه ویله: جناب پروفیسر مجاور احمد زیار؛ در این روزها بحثهای داغ پیرامون زبان فارسی دری در افغانستان ودر خارج میان قلم بدستان سطوح مختلف جریان دارد. خیلی ها در مورد از شما بعنوان یک زبان شناس نقل قول کرده اند؛ میخوامه از زبان خود شما بشنوم که فرق میان فارسی و دری چیست ؟

پروفیسر مجاور احمد زیار: اصلاً هیچ فرقی نیست و دری اصلاً یکی از صفات فارسی نوین است که از قرن هشت به این طرف؛ در مرحله نوین این لقب را بخود گرفته است. این که منشأ آن هر چه بوده یک چیزی بسیار پسندیده بود که خصوصاً در ایران کاربردی دارد که می گویند: فارسی دری، و هیچ وقت در نوشته های خود یا در قانون اساسی خود این را نمی آرد. ولی در افغانستان این موضوع چندان سابقه ای طولانی ندارد. تنها چند نویسنده بی بودند و میخواستند که در قانون اساسی ۱۳۴۳ اگر به نام فارسی اینرا شامل بسازند، امکان دارد که بعضی حساسیتها تولید کند؛ بعد اینرا گرفتند صفت راجانشین موصوف ساختند. عوض اینکه بگویند فارسی افغانی یا فارسی دری، لااقل کلمه فارسی همراهش باید میگفتند ولی تنها یک کلمه دری را ماندند. ولی شما می فهمید که نویسنده گان امروز اصلاً کلمه دری را بکلی برداشته اند و دیگر آنرا بکار نمی برند. ولی در قانون اساسی تمام اسناد رسمی دولت افغانستان همین طور ثم به ثم از آن وقت به این طرف (۳۰-۴۰) ادامه پیدا کرده است؛ به اصطلاح یک مشهور غلط که میگویند یا غلط مشهور که میگویند و گرنه همان یک زبان فارسی است که یک لهجه عمده آن در ایران است و در افغانستان و یک لهجه یا گویش آن در تاجیکیی است. در افغانستان خوشبختانه که دو لهجه تاجیکی و خراسانی به اصطلاح باهم جوش خورده اند. تاجیکی در میان زبان شناسان خاور شناس به این معنا که از طرف ماورالنه‌ر با خصوصیات کلمهٔ بله و لهجه خراسانی — خراسان از طرف هرات، مشهد که خراسان قدیم را یادآوری میکند — که کلمهٔ آری میباشد، آمده است. شما با این برخورد داشته‌اید که از کابل بسوی شمال که می روید، کلمه بله، رازباد میشوید و طرف غرب که می روید، طرف غزنی، طرف هزاره جات به کلمه آری بر میخورید. این موضوعات در طی سه صد سال تحقیقات خاورشناسی، زبانشناسان اینرا دریافته اند و حدود و تغور آنرا تعیین کرده اند که لهجه هیچ وقت زبان شده نمیتواند. در این قسمت من همان نظر استاد های اروپایی راتایید میکنم، خصوصاً زبان شناسی تاریخی اینرا اثبات میکند. به این همه «شوندگان ما» وخبرگان اهل فرهنگ معترف اند که یک فارسی است. منتها بازم غلطی رامرتکب می شوند و برای اینکه نشان بدهند و ملیت آن را به اثبات برسانند، در حالی که تمام زبان های که از ۴۷ زبان که در چهار گروه عمومی عمده تقسیم شده اند؛ کل زبانها، زبان های ملی شمرده می شوند.

دو پیچه ویله: آقای زیار؛ شما هم شخصاً برای بسیاری واژه های بیگانه برای زبان پشتو معادل وضع کردید که البته با بی مهری برخی ها مواجه شده اند. حالا چه نیازی برای وضع کردن واژه های نو برای یک زبان و یک جامعه است؟ پروفیسر مجاور احمد زیار: بله؛ یک امر بی ضروری، خصوصاً در زبانهای مایک پیشینه تاریخی زبان عربی وجود داشته است. شما می فهمید که فارسی ما از فارسی میانه در خراسان بوجود آمد — یعنی نو ایجاد نشد بلکه از مادر خود زاده شد — ما آنرا زبان میانه میگویم و کسی هم پهلوی میگوید. ولی زبانشناسان به این اهمیت میدهند وفارسی میانه، پشتوی میانه، بلوچی میانه و کردی میانه این گونه اصطلاحات را به کار میبرند . یعنی در قسمت خراسان وقبئیکه این زبان دوباره از زیر ظلم واستثمار عریها بالاخره در این قسمت خراسان که حالا تقسیم شده بین ایران و افغانستان باشندگان این مناطق به سلسله مبارزات آزادی طلبانه بالاخره موفق شدند که در قرن سوم اسلامی زبان فارسی حداقل اجازه اینرا پیدا کند که مردم آنرا بکار ببرند. برای دفاتر متعصبین عباسی اجازه نمیدادند. تنها در ادبیات ودر یگان مقاله نوشتن و کتاب نوشتن همان سانسوری بود که آنرا برداشتند ولی مجبور بودند بازم بطاخرسختگیری عریها آنرا با کلمات عربی مخلوط بسازند. مردم که گپ میزدند نمیادند که فرق دارد با زبانی که تا آخرین پادشاه ساسانی تا یزدگرد رواج داشت. و در متون البته آن ثبت شده بود. همین است که دری یاد میکند. بیشتر زبان شناسان معتقدند که این را از دره ها جمع کرده اند .

بالاخره ایرانی ها اول متوجه شدند که واقعاً همراه این زبان جفا شده است و چرا به زبان فردوسی و رودکی ... ما روی نیاوریم. و شروع کردند فرهنگسرا راتاسیس کردند. و در پشتو به این اندازه البته نبوده چر از این رسمی در آن وقت نبود، زبان فارسی برای همه قابل قبول بود و به حیث زبان دوم اسلامی، پشتون ها، بلوچ ها، کردها و همه قبول کردند که این زبان نسبت به عربی برای ما سهل تر و آسان تر است و از یک خانواده هستند.

دو پیچه ویله: واژه ها و اصطلاحات برچه مبنا وضع می کردند. آیا جغرافیای سیاسی شرط حتی است یا ریشه های زبان و واژه ها؟

پروفیسر زیار: نخیر! همین گپ دوم درست است. دو پیچه ویله: یعنی ریشه ها؟ پروفیسر زیار: بله، ریشه هاو معادل هایی که در زبان موجود اند، مثلاً دانشگاه یا پوهنتون که بمیان آمده اند، از روی کلماتی بوده که سابق در هر دوزبان موجود بوده اند. پشتو بیشتر به (تون) ساخته ولی دری بیشتر با گاه. ولی تنها همین دوسفکس (پسوند) نیستند پسوندهای بسیار زیاد در پشتو وفارسی اند و به دو قسم اند یکی به شکل ترکیب وبیکی هم به شکل اشتقاق. در عین زمان یک الگو و یک سابقهای در زبان داشته باشد. بنابر آن چون دانشگاه هم نمونه داشت و خلو نگاه ... خیلی زیاد بوده اند که پسوند «گاه» «ابا کلمه دانش یکجا کردند و دانشگاه شد. در پشتو هم چون «تون» «به معنی جای بودپوهن هم به معنای علم یادانش است پسوند را با آن یکجا کرده یک ترکیب شد و در عین زمان یک مشتق را بوجود آورد. به همین قسم کلماتی از قبیل شونزی و یا در فارسی موشک که با اضافه کردن پسوند به یک کلمه بوجود میآید. دیگر کلماتی مرکب اند. کاملاً دو کلمه مستقل را یکجا کرده یک کلمه جدید را بوجود می آورند. این نوع دیگری واژه سازی است که مثال آنرا زیاد داریم. مثلاً واژه شناسی یا دانش واژه. دانش هم یک کلمه مستقل است و واژه هم یک کلمه مستقل، هر دو یکجاشده کلمه جدید دانش واژه رامیسازد. اینکه ما کلمات ایرانی را به این معنا که زبان مامستقل است، زبان ما دیگر است وما باید آن کلمات راهیچ راه ندیم مثلاً چاپخانه نگویم عوض آن مطبعه بگویم؛ یا مثلاً لهجه بگویم، گویش نگویم؛ این کاملاً یک برخورد غیر علمی است و در جهان تداول ندارد. گویند گان یک لهجه به اندازهٔ تنگ نظر شوند که زبان عمومی جلو گیری میکنند که داخل لهجه شان شود. مثلاً کلمه قوماندان رامحکم بگیریم که انگلیسی است و فرماندهی را استفاده نکنیم که از ما نیست و از ایران است. یعنی فارسی ایرانی است و با فارسی ما هیچ ارتباطی ندارد!!! یک تعداد متعصبین می گویند ما این موضوع را قبول نداریم .

صفحهٔ سوم

داکتر احسان انتظار

دربارهٔ فرهنگ (۷)

تا اکنون بحث ما دربارهٔ قومگرایی که بعداول ملیگرایی افغانستان است بود. ما جوانب مختلف آن را به تفصیل به بحث گرفیم زیر ریشهٔ اکثر بدبختی های کشور ما همین قومگرایی وزبان محوری میباشد.

۲- مذهبگرایی : Sectarianism بعد دوم ملیگرایی رادمذهبگرایی تشکیل می دهد که درمقایسه با قومگرایی چندان خطرناک نبوده و نیست. مذهبگرایی در افغانستان سنی وشیعہ راحتموا میکند. کلمات (سنی و شیعه) هر دو از زبان عربی داخل زبان فارسی دری و پشتوشده است. در زبان عربی (سنه) به اعمال و گفتار حضرت محمد(ص) پیغامبر اسلام اطلاق میشود، اما (شیعه) از عبارت (شیعه العلی) اشتقاق یافته که معنای پیروان یا طرفداران علی (رض)) رامبرساند. در اینجا کلمهٔ شیعه به معنی Partisan زبان انگلیسی که در فارسی دری نیز از آن استفاده به عمل می آید.

درین مسلمانان جهان که تعداد آن به یک میلیارد وششصدملیون نفر میرسد، اکثریت آنها یعنی ۵۸ تا ۹۰ درصد سنی، ومتباقی ۱۰ تا ۱۵ درصد شیعه میباشدند. شیعیان در کشورهای ایران، بحرین، یمن، عراق ولبنان اکثریت دارند. ایران یگانه کشوریست که شیعه مذهب رسمی آنست. بحرین اولین کشوری میباشد که یک اقلیت سنی بر آن حکومت میکند، اما برعکس سوریه کشوریست که یک اقلیت شیعه برا اکثریت سنی حاکم می باشد.

درو زمان حضرت محمد(ص) همه مسلمانان یکی بودند، از بعد از رحلت وی در سال ۶۳۲ میلادی، مسلمانان اثر خلافت Successes که دو دستهٔ سنی وشیعہ متقسم شدند. یک گروه (شیعه) به این عقیده بودند که امامت (رهبری) باید ارثی باشد و به خاندان حضرت محمد تعلق بگیرد. اما عدهٔ دیگری به این باور بودند که خلافت نباید میراثی باشد، و جانشین پیغمبر با اکثریت آراء تعیین گردد. به عقیدهٔ شیعیان وقتی حضرت علی ومتباقی اهل بیت مصروف تکفین وخاک سپاری حضرت پیغمربودند، بکعبه داد صاحبه ابوبکر صدیق را به خلافت تعیین کردند وقدرت رابزور غصب کردند. به نظر شیعیان امام علی ابن ابوطالب علاوه بر آن پسر کا کا و داماد پیغمبر بود، اولین کسی بود که مسلمان شد و هم به معنای ظاهری وباطنی قرآن تسلط کامل داشت. خلاصه اینکه از نگاه شیعهٔ خلافت ابوبکر صدیق وعمر فاروق وعثمان(رض) غیر قانونی بود وباید علی ابن ابوطالب جانشین حضرت پیغمبر اسلام میشد. او علاوه بر مزایا وصفاتیکه بدان اشاره شد، شوهر دختر پیغمبر اسلام یعنی فاطمهٔ زهرا نیز بود و چون حضرت پیغمبر پسر نداشت، خلافت در خانوادهٔ دخترش یعنی خلیفهٔ چهارم(علی) میرسید. تفصیل دربارهٔ تفاوت بین سنی وشیعہ وهمه فرقه های دیگر این دو مذهب دور از اهداف این مقال است. اما تذکر چند مطلب به ارتباط این موضوع درخور اهمیت میباشد. نخست اینکه، برخلاف سنی ها، شیعیان به امامت معتقدند، امامت معنای رهبری دینی ودنیایی رامی رساند، یعنی امام رهنمای دینی ورهبر سیاسی میباشد. دوم اینکه رهبریت در مذهب تشیع سلسله مراتب دارد که بایست مراعات گردد، این امر در تسنن وجو ندارد. سلسلهٔ مراتب در بین علمای شیعه از حجت الاسلام شروع وبه آیت الله ختم میشود. فرق دیگر هر دو مذهب در مرجع تقلید است، شیعیان به مرجع تقلید عقیده دارند وبه نظر آنها باید برای حل مشکلات وسئوالات روزمره به مرجع تقلید مراجعه کرد.

بالاخره همه شیعه هابه رهبریت امام علی عقیدهٔ راسخ دارند، برای نبل به این منظور از نهج البلاغه بیحیث رهنما استفاده میکنند. (نهج البلاغه) یک عبارت عربی است واز دو کلمهٔ (نهج) و(بلاغه) ساخته شده است. کلمه نهج به معنای عالی ولبنند ترین نقطه (قله) میباشد. کلمهٔ بلاغه، فصاحت کلام، معنی دارد. همانطوریکه تاج التواریخ معنای بهترین یا عالترین تاریخ رامبرساند، نهج البلاغه عالیتیرین فصاحت کلام میباشد. نهج البلاغه شامل دوصد وچهل موعظه، رسالات، تفاسیر وداستانهایی میباشد که به حضرت امام علی تعلق میگيرد.

شیعیان افغانستان دریامیان، غزنی، دایکندی، پروان، هیرمند، اروزگان بغلان و دیگر ولایات امراریات میکنند، اهل تشیع افغانستان با که دستهٔ مهم تقسیم میشوند: امامی و اسماعیلی . امامی ها یا اثنا عشری ها که اکثریت شیعه هارامی سازند، معتقد به دوازده امام میباشدند که اولین آن امام علی ابن ابوطالب و آخرین آن امام محمدبن حسن المهدی است. به عقیدهٔ شیعه های امام مهدی ظهور میکند وعدالت رادر جهان برقرار میسازد. باید تذکر داد که قزلباشان کابل نیز امامی هستند.

اسماعیلی ها(هفت امامی) عقیده دارند که اولین امام آنها حضرت امام علی (خلیفهٔ چهارم) و آخرین آن امام اسماعیل میباشد. در افغانستان اسماعیلی هادر بغلان وبدخشان بیشتر هستند. تعداد اسماعیلی های جهان در حدود پانزده ملیون میباشد که پنج صدهزار آن در پاکستان (کراچی) امراریات می کنند. فرق مهم دیگر امامیها واسماعیلیها در رهبریت است. اسماعیلی ها معتقد به آغا خان اند. این رهبریت در خاندان آغاخان میراثی میباشد. میگویند کریم آغاخان پانزدهمین ثروتمند در جهان است. دلیل آن اینست که اسمعیلی ها دوازده ونیم درصد عایدخود را به آغاخان به مثابهٔ ذکات میدهند، که دو ونیم فیصد آن برای فقرا ومتباقی ده فیصد آن برای خود آغاخان میباشد. آغاخان تبعهٔ انگلستان می باشد و در آنجازندگی میکند. هو تل کابل رانیز آغاخان به اجاره گرفته و آنرا بانام (کابل سرینا) اعمار دوباره کرده است .

از نگاه تاریخی برخورد با هزاره های کنشور بیشتر صعبهٔ قومی ومذهبی داشته است که اکثر آن از طرف پشتونها راه اندازی شده است. ما در نتیجه عوامل عداوت هر دو قوم به اختصار اشاره میکنیم. نخست اینکه پشتونها نسبت به دیگر سنی ها، سنت پیغامبر اسلام رابسیار جدی تلقی میکنند وعدول از آنرا (مثلاً برگزاری عاشورا) شرک وحتی کفرمی گویند. دوم آنکه قبل از رسیدن احمدشاه ابدالی به قدرت (۱۷۴۷م) شیعیان صفوی(ایرانی های امروز) بر پشتونهای افغانستان حاکمیت داشتند. نادرشاه افشار که احمدشاه یکی از قوماندانان وی بود، برا کثر مناطق افغانستان بشمول کابل تسلط داشت. همچنان قبل از نادرشاه، میرویس خان هوتک در برابر گرگین خان حاکم صفوی شیعه بغاوت کرد وقلععهٔ بست را که شامل قندهار بزرگ نیز میگردد، در تصرف خود در آورد، که بعداً همه رادر اثر حملهٔ نادرشاه افشار از دست داد. خلاصهٔ کلام اینکه تسلط شیعیان فارس بر پشتونها وعداوت بین پشتون هاوشیعیان بیشتر دامن زد.

علت دیگر عداوت بین هزاره و پشتون همانا تماس فرهنگی ومذهبی بین ایرانیان وشیعہ های افغانستان میباشد که هنوز هم ادامه دارد. یک تعداد زیاد علمای شیعه در مشهد(ایران شیعه) و نجف (عراق شیعه) تحصیلات مذهبیی خود را تکمیل کرده ومیکندند. بنابر همین علت از طرز لباس ورنه های علمی که قبلاً بدان اشاره شد، استفاده میکنند. مثلاً ایرانیها سید (اولادهٔ حضرت محمد(ص)) دستارسیاه به سر میکنند وغیر سید دستار سفید، به همان روش ایرانیها . توجه کنید به دستار و لباس آقای بلخی وزیر مهاجرین. این طرز لباس بر افتخاها خاصتاً پشتونها تأثیر منفی دارد وخوششان نمیآید. بنابر همین ارتباط فرهنگی ومذهبی، ایران در زمان اشغال افغانستان توسط شوروی، احزاب سیاسی اهل تشیع را که بر ضد عساکر شوروی وحکومت دست نشاندهٔ آنها میجنگیدند، کمک مالی، نظامی و سیاسی میکرد. بعد هادر زمان طالبهاطیارات ایران در میدان هوایی بامیان پرسونل و مهمات میآوردند، بهمین لحاظ یک تعداد دیپلماتهای ایرانی در مزارشریف توسط طالبان قتل رسید و نزدیک بود که ایران بر افغانستان حملهٔ نظامی کند. (ص ۶)

پروفسرداکتر عبدالواسع لطیفی
الکسندر به -ورجینیا
صفحاتی از یک زندگی پر نشیب و فراز در وصلت وطن و در غربت هجرت (۱۷)

درسال پنجم تحصیلاتم درفاکولتۀ طب کابل بودم که اولین طفل عزیزم، محبه لطیفی حنیف، بدنیا آمد و یک فصل نورزند گیم کشوده شد. مسئولیتهای فامیلی ام دوجند گردید و برای تهیهٔ مخارج و مایحتاج اولیهٔ زندگی طفل، فعالیت مطبوعاتی و ترجمۀ مضامین مجلات فرانسوی رابرای کسب معاش مربوطه زیادترب ساختم.

وقتی من درآغاز سالهای هشتاد ازجبر زمان باهمسروسه فرزند دیگر خود مهاجراایالات متحدۀ امریکاشدم، محبه نیز که متأهل وصاحب دو طفل بود، پس از فراغت فاکولتۀ تعلیم و تربیۀ کابل وشغل معلمی، به حیث رفیجوی واردامریکا، ایالت ورجینیا، گردید وبعداز آموختن زبان انگلیسی وطی تحصیلات لازمه، و آشنایی با کمپیوتر، نخست مدت بیش ازهفده سال بحیث سکرتر پروفیسران در انستیتوت (اینتک)یونیورستی جورج تاون، که خودم نیزدر کتابخانۀ علمی تحقیقی آن مؤظف بودم، اجرای وظیفه نمود، ودخترش هیله حنیف ازهمسین یونیورستی بادپلوم اقتصادفارغ التحصیل شدومتعاقبا ماستری دیگرش رادر رشتهٔ انترنشنل پالیسی، ازیونیورستی Tustrنیزبدست آورد. همچنان اولین پسر محبه حنیف، طارق حنیف، تحصیلات خود رادرهمین ایالت ورجینیا تادرجۀ سیستم انجیرنگ دریونیورستی جورج میسن تکمیل نمود.

دوسرویک دختردیگرم نیزپس از آموختن زبان انگلیسی وطی مراتب تحصیلات لازمه دررشته های اختصاصی سکرتری اداری وحسابداری (اکاونتنگ) ولابراتور دندان، درایالت ورجینیاو کالیفورنیا فارغ تحصیل شده ودررشته های متذکره اجرای وظیفه میکنند. همچنان فرزندان شان درکالجهای مختلفۀ ایالت کالیفورنیا مصروف تحصیل میباشند.

بهرحال، دورۀ هفت سالۀ تحصیل درفاکولتۀ طب کابل، یکی پی دیگری سپری میشدوفعالیتهای مطبوعاتی ام نیزادامه مییافت. درسال پنجم که به تعقیب آن دورۀ سنّاز آغازمی یافت، دعوتامۀ رسمی از طرف دفتر فرهنگی شاهنشاه ایران رضاشاه پهلوی به وزارت معارف یوهنتون کابل مواصلت نمود که به اساس آن ده نفرمحصلین فاکولته های مختلف افغانستان جهت اشتراک درمجمع سالانۀ بین المللی محصلان، برای سفر به تهران انتخاب میشدند. بنده وداکتر خیر محمد ارسلان طرف فاکولتۀ طب که رئیس آن پوهاندداکترعثمان انوری بود، انتخاب وبعداز کسب معلومات راجع به جغرافیا ووضع اجتماعی وفرهنگی ایران، که دروزارت خارجه افغانستان صورت گرفت، عازم تهران شدیم .

این اولین مسافرتم به خارج مملکت مدت دوهفته رادبرگرفت. هفتهٔ اول در تهران بادیدن موسسات علمی وفرهنگی وآشنایی بامحصلان ایران سپری شد، وهفتهٔ دوم به شمال ایران درشهر رامسر که محل اجتماع محصلان بنام (اردوی بین المللی محصلان) تعیین شده بود، با خط ریل سراسری ایران سفر کردیم . دردومین روزبودیاش ما دررامسر که درساحل بحیرۀ خزر (کسپین) واقع است، شاه ایران شخصا در کمیهای محصلان حضور بهم رسانید ویباتانی ایراد نمود. بعد هنگام طعام جاشت، میزمندوری در حضور محمدرضاشاه پهلوی دایر وقرار شد یک یک محصل ازهرمملکت درآن اشتراک کند، بنده ازطرف محصلین افغان تعیین وقرار ردیف القبا، دنزدیک شاه ایران جاگرفتم. موصوف باهریک محصلین راجع به سیستم درس ومعارف کشورشان صحبت نمود، از روابط نیک وهمسایگی وهمکشی وهم زبانی افغانستان وایران یادآورد، وعلاوه کرد که ایران برای کمک به پلان پنجسالۀ همسایۀ خود افغانستان، علاقمنداست .

مدتهابعد، درسالهای اخیرسلطنت محمدظاهرشاه که بنده بحیث معاون علمی فاکولتۀ طب که ریاست آنرامحترم پوهاندمحمدنادر عمربعهدداشت، اجرای وظیفه میکردم، دانشگاه تهران تعدادزیاد کتب علمی درسی طبی راه کتابخانه فاکولتۀ طب کابل تحفه دادودر آن وقت این خبرشایع وسرزبانهابود که ایران برای ساختمان خط آهن سراسری افغانستان کمک مالی وتخنیکی میکند و کشور فرانسه پیشبرد پروژه را برعهده میگیرد .

مطالعین گرامی، تالینجا حتی الامکان کوشیدم سیرزندگیم رادرداخل وطن عزیزبافصیل برایتان حکایت کنم وتامیسرشدن فرصت کافی برای تحریر گزارشات حیات پرماجرا ویرتنشیب وفرازهجرت (ازسال ۱۹۸۲ تااین زمان) ، اجازه بدهیدمختصر وفشرده بنویسم که بعداز فراغت فاکولتۀ طب، درکدر علمی دیاربترمنت میکروبیولوژی قبول شدم وشش سال بعد باستفاده ازیک بورس فیلوشپ آلمان فدرال و آموزش مقدماتی زبان آلمانی درگویتِه انستیتوت کابل، جهت تحصیلات عالی تخصص به برلین غرب (انستیتوت میکروبیولوژی) اعزام شدم . همسلکان گرامی ام داکترمحمداخترمستندی دررشتهٔ جراحی نسایی ولوادی، داکتر محمدمعروف لطیف دررشتهٔ جراحی، داکتر محمدعمر اعظمی دررشتهٔ طب عدلی وداکترمحمدشعب کیفی دررشتهٔ بانک خون نیز درهمان سالهای ۱۹۶۴-۱۹۶۷ دربرلین وهامبورگ مصروف تحصیلات تخصص بودند وازصحبت ودیدار همدیگر برخورداربودیم .

پس ازچهارسال تحصیل و کارهای علمی باگرفتن دیپلم تخصص به وطن برگشته به رتبهٔ علمی پوهندی ارتقایافتیم. بعدازسه سال تدریس ونوشتن آثار علمی و کتب تدریسی، به رتبهٔ پوهنوال ارتقا ودرسال ۱۹۷۰جهت تحصیلات پیشرفتهٔ تخصصی دررشتهٔ پرازیتولوژی، عازم فرانسه گردیدم . پس ازبرگشت، به رتبهٔ پوهنوال رسیدم وعلاوه بر تدریس درفاکولته های طب کابل وننگرهار و فاکولتۀ فارمی، مدیربت نشرات ونشر مجلهٔ علمی(افغان مدیکال ژورنال) نیز بدوشم گذاشته شد. درسال ۱۹۷۲ که هنوزحکومت شاهی بود،دروقت ریاست پوهاندداکترمحمدنادرعمر بحیث معاون علمی فاکولته های طب وفارمسی موظف شد. درهمین دوره که تاسالهای اخیرجمهوری داؤودخان ادامه یافت، مساعی زیادی در پیشبرد امورتدریسی وخاصتاجریان کنفرانسهای علمی هفته وارصرف کردم. درهمین راستاهرهفته درختم کنفرانسه که توسط استادان و پروفیسران آزمونۀ فاکولتۀ طب وفارمسی ایراد میکردند، یک فلم علمی طبی فرانسوی یاآلمانی رانیز با ترجمۀ مستقیم دری برای محصلان وهیئت تدریسی به نمایش میگذاشتیم که طرف علاقه واستفادت مزید قرار گرفت، وبعضاً داکتران وزارت صحت عامه نیز درسالون کنفرانس پوهنتون دعوت میشدند .

درهمین دورۀ نشرات علمی ام که درمجلات طبی فرانسه وآلمان به چاپ رسیده بود، مواصلت کردوبعد از تهیه وایراد دو کنفرانس علمی وتحقیقی و نوشتن ده اثر و کتب درسی، به رتبهٔ پوهاند رسیدم. درین وقت سالهای اخیر جمهوریت محمدداؤودخان، داکتر صدیق محیی از تعلیم یافتگان روسیۀ شوروی بحیث رئیس پوهنتون مقرر ورئیس و معاون ومدیر تدریسی فاکولتۀ طب نیز عضو شدند، وبنده تنهابه وظایف تدریسی ومدیریت نشرات فاکولتۀ طب مصروفیتم را ادامه دادم .

درسال ۱۹۷۹ که دراثر کودتای خونین وبدفرجام ثور جمهوری داؤودی از بین رفت وحکومت چپی کمونیستی احزاب خلق وپرچم رویکار آمد، بخاطر تهیه شده فاکولتۀ طب از کدرهای علمی وخاصتا به خطر افتادن روابط توأمیت و کمکهای طبی وتدریسی کشور فرانسه به فاکولتۀ طب، بنده که یازبان فرانسوی وپروفیسران فرانسوی بلدیت داشتم، بدون موافقت قبلی، درحالیکه به کارهای نشراتی ونشر مجلهٔ افغان مدیکال ژورنال ادامه میدادم، داکتر سیداحمد رئیس

داکتر عنایت الله شهرانی
تاریخچه مختصر هنر در افغانستان (۲)

موقف هنر بعداز ظهور اسلام : مجسمه سازی دراوایل ظهور اسلام ممنوع قرار داده شد، ولی مردم افغانستان به اشکال دیگری که بر علیه دین مبین اسلام نباشد، به هنروصنعت خود ادامه دادند. مثلاً صنعت سنگتراشی، میناتوری، نقاشی دیوار ها، معماری ومهندسی، ساختن لواج مزارات وزیارت هاو طرح ودیزاین ها و اشکال اغلای هندسی درمساجد واماکن مقسه را انکشاف داده به پیش بردند. یک عده باستانشناسان ایتالوی مربوط مؤسسهٔ شرق شناسی موفق شدند آثار گرانهایی را که درعصر اسلامی غزنویان صورت گرفته بود، بدست ییاورند. افتخارات تاریخی بین سالهای ۳۵۱ _ ۵۸۲ هـ . دورۀ غزنویان چه درغزنی وچه درقلعهٔ بست ولشکر گاه نمونه هایی میباشند که دردورۀ غزنویان انجام یافته است. هنرنقاشی وتصویر انسانها بگونهٔ مخفی بایک محدودیت خاصی دردورۀ محمود موجود بود،، درهرات زمانیکه سلطان مسعود والی آن منطقه بود، نقاشی (اروتیک) در دیوارها وسقف های خانه هایی که طربگاه وعشرت خانه هابشمار می رفتند، توسط هنرمندان گمنام په زیبایی نقش بسته بودند.

هنر نقاشی درافغانستان وقتا فوقتا درغزنی، بامیان، بلخ وهرات بکار میرفته و هنرمندان زیاد که نام شان در تاریخ قیدنشده، وجود داشته اند. هنرنقاشی درعصر تیموریان خاصتادرزمان سلطان حسین میرزابایقرا یکی از احفاد امیر تیمور و نوادۀ عمر شیخ ابن صاحبقران درهرات انکشاف یافت. قاضی احمدغفاری قزوینی در (تاریخ جهان آراء) دربارهٔ سلطان حسین بایقرا چنین گفته است: (مدار برعدل وداد نهاده خراسان به دولت اورنگ روضۀ رضوان شده، ارباب فضل واستعداد واصحاب صنایع از پرتو تربیت وتمیز اوبه درجۀ کمال رسید هریک درفی خود فرید دهر شدندودر زمان اویازده هزارطالب العلم درهرات موظف بودند، وامیر علیشیر کیجکینه بهادر به یمن تربیت اوبه درجۀ درسید که امثال اوبه عشرعشیر آن نرسیده اند وازاوجون بقاع الحیر ومدارس وخوانق و رباط و کلیات اشعار و تصانیف نفیسه، که اکابر به نام اونوشند برصفحهٔ روزگار ماند).

از افتخارات بزرگ هنراین عصر بروزاستاد کمال الدین بهزاد واستاد میرعلی هروی میباشند که یکی پیشرو نقاشان و دیگری رهبر خطاطان میباشند.

اول هنر خطاطی: خط که یک هنرقدمیۀ افغانستان بشمار میرود وقبل ازاسلام نیزدرونحی افغانستان قدیم انواع خطوط ازقبیل خط آرامی، یونانی، سغدی، هندی، پهلوی وغالباً خطوط اوغوری و اورخانی رایج بوده که آثار آنها به اثر بسیاری ازحفریات درسنگ نبشته های تاریخی افغانستان دیده میشود. انواع خط که امروزدرفغانستان مروج است، همه از خط کوفی گرفته شد و کوفه فعلا از شهرهای کشور عراق بشمار میرود. استاد بشیر مینویسد که خط کوفی خودش دراصل از دوخط قبطی و سریانی سرچشمه گرفته است. خط هیروغلیف و بعد از آن خط میخی نیز از خط هایی میباشند که به اساس گذاری خطوط فعلیه و اشکال آن رول عمده رابازی کرده اند.

همانطوریکه دین اسلام در بسیاری شئون زندگی وحیات مردم ماتأثیر وارد نموده، درساحۀ هنرطوریکه گفته آمد، هنر مجسمه سازی را ضعیف وهنرهای دیگری را قویه نموده، وبا وروداین دین رسم الخط سرزمین خراسان نیز تغییر کرد. درهنر خط ومهارت خطاطی آقندر مردم افغانستان وارد گردیدند که آثرابه گونه های مختلف واسلوبهای علیحده منقوش ساختند. جمعا سلوب وشبوه های مختلف خطاطی در اسلام بالاخره بدین شیوه ها مبدل شدند: نسخ (خط قرآنی)، نستعلیق (خط فارسی خراسانی) تعلیق (شکل خراسانی)،رقاع (خط مروجهٔ عربی) ، ثلث (طرح مخصوص ازطریق نسخ)، طغرا (خطی که آنرا شکل میدهند، امضاء ودستخط وغیره)، ریحان، مناشیر، محقق وغیره .

مرحوم استادمحمدعلی عطار هراتی یکی ازخوشخط های مشهور می نویسد که یحیی ابن خالد برمکی بلخی وفصل بن سهل ذوالریاستین سرخسی دو سیاستمدار بزرگ خراسانی درزمان (هارون) الرشیدو مامون (الرشید)، ازجملهٔ کسانی بودند که به تربیت خوشنویسان وترویج هنرزیبای خطاطی علاقمندبودند وبه هنر خط واکمال آن توجه فراوان کردند، وبراثرتوجه واهتمام آنان بود که زمینه برای ساده ساختن خط کوفی وپیدایش خطوط نسخ و تعلیق وثلث ورقاق وغبار ودیگرا نوع خط دردوره های بعدمساعداشد. خواجهٔ بزرگ شمس الحکما احمدبن حسن میمندی وزیر معروف غزنویان وبایسقرمیرزا فرزند هنرمند شاهرخ فرمانروای تیموری افغانستان ومیرعلی شیر نوای وزیر سلطان حسین بایقرا نیزدر ردیف بزرگترین مشوقان هنر خطاطی درافغانستان بشمار میروند.

از خطاطان معروف افغانستان گرچه تعداد کثیری رامیتوان نام گرفت، ما درینجا لازم است ذکری دربارهٔ یکی از هنرمندان معروف خط که میرعلی (وفات ۹۶۶هـ) خطاط معروف هرات است معرفی شود. میر علی به نسبت داشتن خط عالی به دربار سلطان حسین بایقرا منحیث کاتب سلطان مقرر شده بود. اورامیتوان ازبزرگترین خطاطان خاصتا درشیوۀ نستعلیق خواند. اورا شاگردان زیادبودند، همچنان او اثرات زیادی راییادگار گذاشته است. از نمونه های کار اوراهم از هفت اورنگ جامی وجام جم میتوان ذکر نمود، واین نمونه ها، نمونه هایی میباشند که عالیتین هنر خط درآن مشاهده میشود.

در طول تاریخ افغانستان خطاطان نامی بروز کردندولی بخاطراینکه در بارۀ شان نوشته هاصورت نگرفته، از شهرت بدورمانده اند، و کتلهای قلمی رادر کتابخانه هاشاهد این مطلب میدانیم. یکعدهد هنرمندان معاصر خطاطی ما عبارت انداز: حاجی سلطان محمد غوراتی، استاد محمدعلی عطار هروی، استاد سیدمحمد داؤودوالحسینی، استادسیدمحمد ایشان الحسینی، فرزندهنرمنداستاد داؤود حسینی یعنی سیدحمایت الله حسینی، سیدمحمدصدیق الحسینی، مولوی خال محمد خسته، استادعزیزالدین وکیلی فوفلزایی یعنی خطاط هفت قلمی، میرزا یعقوب کابلی، حسین وفا سلجوقی، محمد محفوظ سیدخیلی، سیدمحبوب الله هاشمی، محمداسرائیل روبا، استادشیرعلی قانون، محمدابراهیم خلیل، عبدالرشید بیش و یکعدهاد زیاد ازبزرگان خط که اسماء گرامی شان بخاطرنسی آید، ودر مطبوعات افغانستان ومعارف خدمات ارزندهٔ انجام داده اند. /(دنباله دارد)

*****جدید فاکولتۀ طب که از شاگردانم بود، مقرر ام رابحیث معاون علمی فاکولته (مرتبهٔ دوم) پیشنهاد وموظف به پیشبرد امور تدریسی و کدر علمی وحفظ دوام توأمیت بایونیورستی لیون دولت فرانسه شدم. با اینهم فرانسویها وسازمان صهی جهان کمکهای طبی خودراتر پچا تقلیل وتقیص دادند، وهنوز چندماهی سپری ننشده بود که خصومت و کشیدگیهای بین جناحهای خلق وپرچم شدید شد، وداکتر سیداحمد که متعلق به جناح پرچم بود، ازچوکی ام رابحیث رئیس فاکولتۀ طب (که شب آن ازامواج رادبوافغانستان خبرمقرری ام رابحیث رئیس فاکولتۀ طب (که نطق رادبوحیث رئیس پوهنتون طب قرائت کرد) اعلان نمودند، ولی دیری نگذشت که شاگرد دیگرم، داکتر قاسم را که عضوبلندپایه وقابل اعتماد حزب دموکراتیک خلق ورژیم برسر اقتدار بود، بحیث رئیس انستیتوت طب (بنابار تشکیلات جدید مشاورین روسی که فاکولتۀ طب رامربوط وزارت صحت عامه وتحت ریاست انستیتوت طب قرارداد)، به اصطلاح بالادست من مقررشد . بسرعت پروگرامهای فاکولتۀ طب طبق سیستم مشاورین روسی که دفتری در پهلوی دفتررئیس انستیتوت طب باز کردند، تغییر یافت و فعالیتهای سیاسی و سازمانی نیز ضمیمۀ روند تدریسی شد. من که بعد از بیرون (دنباله درصفحهٔ ششم)

نصیراحمد رازی
داستانهای همسو با تصوف (۱۱)

بازهم از تصوف درمسیحیت : خداوند همیشه در جهان است و پدیده های فنی و علمی بشرنیی تواند منکر این امرشود. انسان مدرن که در جهانی زندگی می نماید که بابرخی از سیارات میلیاردهاسال نوری فاصله دارد، فریادمیند: (هنگامی که به آسمان نگاه میکنم، با آسمانی که تو خالق آن هستی، هنگامیکه ماه وستار گان راتماشامینمایم، به این فکرمی افتم که انسان چیست که به یاد او هستی و فرزندانسان چیست که مراقب او هستی) میخوام از شماخواهش نمایم ابتدا طالب عدالت وملکوت پروردگارباشید، بگنارید روح خدا دروجودتان رسوخ کند، برای مقابله بامشکلات ومبارزات زندگی به خداوند احتیاج میرم دارید، کشتی زندگی شماقبل از رسیدن به بندر نهایی، باتوفان سخت، بادهای ویرانگر و دریا های متلاطم مواجه خواهدشد. اگر به خدا ایمان عمیقی نداشته باشیم، نمی توانیم برمشکلات غلبه نماییم، بدون ایمان به خدا تمام کوششهای مان به خاکستر وتام سحرگاه هایمان به شبهای تاریک تبدیل خواهدشد. ولی اگر به خداوند ایمان داشته باشیم، میتوانیم اذره های ناهموار، به قله های آرامش درونی صعود کنیم ودر تاریکترین شبهای زندگی ستارگان نورانی امیدبخش رامشاهده نمایم .

دراین باره سنت آگوستین میگوید : تو ما رابرای خودت آفریده ای، تا زمانی که به توایمان کامل نداشته باشیم، آرامش وصفا نصیب ما نخواهدشد. واعظ کهنسال وجهانیدهٔ برای نصیحت به دانش آموزان به مدرسه رفت، پس ازینکه موعظهٔ وعظ کرد، بادانش آموزان به گفت وشنید پرداخت. از یکی از شاگردان جوان وباستعداد که رابرت نام داشت پرسید: برای آینده ات چه نقشه هایی کشیده ای؟ رابرت پاسخ داد : میخوام حقوقدان شوم . واعظ پرسید: پس از آن چه خواهی کرد؟ رابرت جواب داد میخوام ازدواج نمایم وتشکیل خانواده دهم وبه و کالت پیرازم . واعظ پیرافزود بعدچه خواهی کرد؟ رابرت پاسخ داد: بایدبصراحت بگویم که امیدوارم پول زیادی بدست آرم وتسام راحتی جهان راآماده وبه مسافرتها ی بزرگ که تمام نقاط جهان بروم . واعظ کهنسال نگاه رحم آمیزی به رابرت انداخت و بالحن پدرانۀ گفت: نقشه های تو ناقص است، توقفظ برای۷۵ تا ۱۰۰سال نقشه کشیده ای، تو خداوند وزندگی آسمانی رافراموش نموده ای !

این عقیدهٔ واعظ پیر بسیار صحیح بود، اغلب مافقشه هایی میکنیم که از لحاظ کمیت بسیار غنی ولی از لحاظ کیفیت فقیرو چیزاست. نقشه های مایجای اینکه روی سطح عمودی ابدیت کشیده شودروی سطح افقی زمان کشیده شده است. میخوام از شما تقاضا کنم که نقشه های خود را بروی سطح عمومی ابدیت ترسیم کنید. شما مؤظفید که دارایی و وجودخود را وقف نیتهای خیرخواهانهٔ خداوند نمایید. پس در نتیجه باید ابتداخود را دوست بدارید، این طول زندگی است ومهمتر از همه به خداوند ایمان داشته باشید، این ارتقا ع زندگی است. مسیح درین باره گفته : (خدا ی خود را به همهٔ دل وتما می نفس وتام فکرخود محبت نما). فقط در صورتی زندگی شما به سرحد کمال میرسد که بتوانید این سه بعد را به طور مثبت ومتناسبی گسترش دهید.

امیدوارم که ماهم بتوانیم با کوشش وجدیت بطرف زندگی کامل، که طول، عرض وار تقاع آن برابر است، حرکت نماییم. صرف درین صورت میتوانیم لیاقت بندگی خداوند راداشته باشیم.) از سخنان داکتر مارتین لو تر کینگ .

داستان : اواخر تابستان بود و گرما پیداد میکرد، خشکسالی و گرانی اهل مدینه رابه سوه آورده بود. فصل جیدن خرما بود، مردم تازه میخواستند نفس راحتی بکشند که رسول اکرم به موجب خبرهای وحشتناکی مشعر به اینکه مسلمین از جانب شمال شرقی از طرف رومی ها مورد تهدید هستند، فرمان بسیج عمومی داد. مردم از یک خشکسالی گذشته بودندو میخواستند از میوه های تازه استفاده کنند. رها کردن میوه وسایه بعد از آن خشکسالی و در آن گرمای کشنده، وراه دراز مدینه به شام رایش گرفتن کار آسانی نبود. زمینه برای کارشکنی منافقین کاملا فراهم شد.

ولی نه آن گرما ونه آن خشکسالی ونه کارشکنیهای منافقان هیچکدام نتوانست مانع فراهم آمدن وحرکت کردن یک سپاه سی هزار نفری برای مقابله باحملهٔ احتمالی رومیان بشود. راه صحرا رایش گرفتندو آفتاب برسرشان می بارید. مرکب و آذوقه به حد کافی نبود، خطر کمبود آذوقه وسویه وشدت گرما کمتراز خطر دشمن نبود. بعضی از سست ایمانان درین راه پشیمان شدند. ناگهان مردی بنام کمب بن مالک برگشت وراه مدینه رایش گرفت. اصحاب به رسول خدا گفتند: یا رسول الله ! کمب بن مالک برگشت. فرمود: بگناریدربود، اگر دراو خیری باشد خداوند به زودی اورابه شما بر خواهد گرداندو اگر نیست، خداوند شما را از شر او آسوده کرده است .

طولی نکشید که اصحاب گفتند: یا رسول الله ! مراره بن ربیع نیز برگشت. رسول اکرم فرمود: بگناریدربود، اگر دراو خیری باشد خداوند به زودی اورابه شما بر خواهد گرداندو اگر نیست، خداوند شما را از شر او آسوده کرده است. مدتی نگذشت که باز اصحاب گفتند: یا رسول الله ! هلال بن امیه هم برگشت. رسول اکرم همان جمله را که در مورد آندونفر گفته بود تکرار کرد. دراین بین شتر ابوذر که همراه قافله می آمد، از رفتن یازماند. ناگهان اصحاب متوجه شدند که ابوذر هم عقب کشیده، گفتند: یا رسول الله ! ابوذر هم برگشت. بازهم رسول اکرم با خونسردی فرمود: بگناریدربود، اگر دراو خیری باشد خداوند به زودی اورابه شما بر خواهد گرداندو اگر نیست، خداوند شما را از شر او آسوده کرده است.

ابوذر هرچه کوشش کردوبه شترش فشار آورد که اورا به قافله برساند، ممکن نشد، از شتر پیاده شدو بارها رابدوش گرفت و پیاده به راه افتاد. آفتاب به شدت بر سر ابوذر میتابید، از تشنگی له له میزد، خودش را از یاد برده وهدفی جز رسیدن به پیغمبر وملحق شدن به یاران نمی شناخت. همانطور که میرفت، در گوشۀ از آسمان ابری دید وجنین مینمود که در آن سمت بارانی آمده است. راه خود را به آنطرف کج کرد، به سنگی برخورد که مقدار کمی آب باران در آنجا جمع شده بود، اندکی از آن چشید واز آشامیدن کامل آن صرف نظر کرد، زیربابخاطرش رسید بهتر است این آب را باخود ببرم وبه پیغمبر برسانم، نکند آن حضرت تشنه باشدو آبی نداشته باشد که بیاشامد. آب هارا در مشکلی که همراه داشت ریخت و با سایر بارهائی که داشت به دوش کشید. باجگری سوزان پستیها وبلندیهای زمین را زیر پا می گذاشت تا از دور چشمش به سیاهی سپاه مسلمین افتاد، قلبش از خوشحالی تپید وبه سرعت خود افروذ .

از آنطرف نیز یکی از سپاهیان اسلام از دور چشمش به یک سیاهی افتاد که به سوی آنها پیش می آمد. به رسول اکرم عرض کرد: یا رسول الله ! مثل اینکه مردی از دور بطرف مامی آید. رسول اکرم: چه خوب است، ابوذر باشد. سیاهی نزدیکتر رسید، مردی فریاد کرد: به خدا خوش است، ابوذر است. رسول اکرم: خداوند ابوذر راییامرزد، تنها زیست میکند، تنهائی میرد، تنها محشور میشود. رسول اکرم ابوذر را استقبال کرد، اثاث را از پشت او گرفت وبه زمین گذاشت. ابوذر از خستگی وتشنگی یحال به زمین افتاد.

رسول اکرم: آب حاضر کنید وبه ابوذر بدهید که خیلی تشنه است. ابوذر : آب همراه من هست. - آب همراه داشی و نیاشامیدی؟ - آری پدر ومادرم به قربانت ! به سنگی برخوردم، دیدم آب سردو گوارایی است، اندکی چشیدم، باخود گفتم از آن نمی آشامم تا بحییم رسول خدا از آن بیاشامد. /(دنباله دارد)

انجنیر عبدالصبور فروزان
سخنی چند از اندیشه های احمدشاه مسعود
(رج بخش دهم): ایالات متحدهٔ امریکا درپایزش باافغانستان عین جالی را زد که گرجاجوف درسال ۱۹۸۶دربرابر دولت خلیفه‌وپر چمپها زده بود. گرجیاجوف بدون انتظار کشورهای رقیبش اعلان کرد که(افغانستان برای شوروی به یک زخم خونچکان تبدیل شده وازین بعد دولت افغانستان خودش مسئولیت دفاع از انقلاب خود را دارد، ماباآن کاری نداریم) ! واین درحالیست که دولت داکتر نجیب بدون کمک سالانهٔ دولیون دلاری شوروی، امکان بقای حتی یکماه را نداشت. درواقع این اقدام گرجاجوف اعلان سقوط دولت داکترنجیب بود. مثلی که گرجیاجوف نجیب رادر ۱۹۸۶درمیدان تنها گذاشت، امریکانیزبااعلان خروج عساکرش ازافغانستان بدون اکمال ماموریتش، که ازین بردن طالبان بود وبدون موجودیت یک دولت مردمی وصادق درافغانستان وبدون موجودیت توانمندی دفاعی درافغانستان، مردم افغانستان و دولت غنی احمدزی رادرمیدان تنها گذاشت، که منتج به عین نتیجهٔ خواهدشد که بعداز سالهای ۱۹۸۶ گردید و سبب کشتار هزاران انسان بیگناه وویرانی بیشتر کشورما شد.

احمدشاه مسعود(رج) در یک صحبت خصوصی گفت: روسها مرا غافلگیر کردند، من تصور نمی کردم که به این زودی ازجنگ دست میکشندوافغانستان را رها میکنند.

یکی ازعواملیکه پاکستان، امریکاوچین وفرااد مرتجع و طالب پرست چون غنی احمدزی وهمدستان او درصدد آنند تاطالبان رابه بهانهٔمذاکرات نامنهاد صلح دوباره بقدرت برسانند، عبارت ازجنگ رویاروی قوای پرافتخار مسلح افغانستان باوجود کاستی هاو کمی های بیشمار دربرابر طالبان وحامیان پاکستانی شان است. آنهاخوب میدانند که این جنگ باوجود اینکه عساکر وسربازان ما در آن شهیدمی شوند، ولی در درازمدت به نفع قوای مسلح افغانستان قوام گرفته، پشتیبانی ملی میانبد ومردم درعقب قوای مسلح خود ایستادمیشوند که سقوط طالبان وحامیان پاکستانی شانرا حتمی میسازد.اگر این تلاشهای به اصطلاح صلح به نتیجه برسد به نفع طالبان، پاکستانها و دیگر حامیان طالبان است. چه آنها گماشته های شانرا در قدرت دیده آنچه که توقع دارند(افغانستان ضعیف ویی ثابت)، برآورده میشود. واضح است که اگر طالبان در دولت شامل شوند، دیگر آرامش وامنیت در افغانستان حتی در پایتخت آن ازین میرود، چه نه طالبان با کسی جور آمده می توانند ونه کس دیگری با ایشان جور آمده میتواند! لذا این یک اتحاد یا وحدت یا صلح مصنوعی وشکننده خواهدبود که سرانجام متفجر میشود در افغانستان بی ثباتی، درگیری، بی امنیتی ومهاجرتهای تازه آغاز می یابد که این شرایط ایدآل برای پاکستان است. ولی اگر تلاشهای درپوشش صلح تا کام مانده وجنگ میان قوای مسلح ماو طالبان به حمایت پاکستان ادامه یابد، این سرانجام به نفع مردم ما بوده، سبب وحدت مردم برای دفاع از خاک شان میشود، که سقوط وبربادی طالبان راحتمی میسازد.

ا کنون تلاشهای پاکستان، چین، ایالات متحده وحلقهٔ مربوط به غنی احمدزی برای تحمیل طالبان بر مردم ماتحت پوشش مذاکرات نامنهاد صلح خطا پرست که: یک، مردم ماماهیت زشت طالبان وحامیان شانرا پخوی شناخته اند وهیچ وجه خواهان برگشت آنان در قدرت دولتی نمیباشند. دو، اقتصاد چین قوس نزولی خود را میپیماید واحتمال میرود برای پاکستان پول داده نتواند. سه، امریکا ازجنگ در افغانستان خسته شده وتوان ادامهٔ آن راندارد، اما نمیخواهد آنچه بدست آورده ازدست بدهد. چهار، سربازان افغانستان برای قربانی بیشتر آماده میشوند. پنج، ملت افغانستان در عقب اردوی خود قرار میگيرند. شش، انزجار مردم دربرابر دولت فاسد وبیکفایت بخصوص غنی احمدزی وهمدستانش خیلی زیادشده و بیشتر افزایش مییابد. هفت، شرایط برای تولد یک وحدت ملی در کشور آماده میشود ومردم همه در برابر دشمن یعنی طالبان وحامیان پاکستانی آنها متحد میشوند که ازین مطلب، حامیان طالبان بخصوص پاکستان شاید ا درهراس است.

درینجا خواستم تازم موضوعی یادآور شوم که همواره موردستقبال بوده و زوایای آن بدرستی روشن نیست، وآن حقایقی درموردجنگ افشار کابل در زمان دولت اسلامی رهبری شهیداستادربانی(رج) بود. گلبدین از ابتدای تاسیس دولت اسلامی مخالفت خود را با آن اعلان وجهار آسیاب لوگر راقرار گاه خود ساخت وقوایش افزون براینکه با دولت درجنگ بود، مکررا شهر کابل راشب وروز را کتباران مینمودند وراهها ازطریق چهار آسیاب وسروی مسدود ومانع ورود موادغذایی ومحروقاتی به شهر کابل شده بودند. استادعبدالعلی مزاری که حزب وحدت رارهبری میکرد، در دولت اسلامی سهیم بود و چندوزارتی به شمول ریاست دانشگاه کابل توسط هموطنان هزاره اداره میشد.

طی مدتیکه استاد مزاری جزء دولت اسلامی بود، بر خوردهای شدیدیخوینی بین قوتهای او وفرااد گلبدین رخ داد وداستانهای جنانیکاراثةٔ آیندو گروه علیه همدگر وبر علیه سایر مردم زباز در عام وخاص شده بود، مثلا کوییدن میخ درفرق سرانسانها، بریدن سینه های زنان، رقص مرده هاو غیره از جملهٔ حکایاتی بود که مردم از آن سخن میگفتند. قوای استاد مزاری درغرب کابل که شامل کارتهٔ سه وچهار، دهبوری، سرای غزنی، ساحات علی آباد بشمول دانشگاه کابل، دارا لمعلین، کارتهٔ سخی، قلعهٔ شهاده مهتاب قلعه جابجاو درهر چندقدم سنگرداشتند وسلاح ثقیله نصب کرده بودند. اندکی نگذشته بود که استاد مزاری بادولت اسلامی سرناساز گاری گرفت وتقاضاهاییکه بالاتر از توان دولت بود کرد. وقتی دولت به تقاضاهای او جواب داده نتوانست، در برابر دولت قرار گرفت وجنگ را آغاز کرد وساحاتی را که در تصرف دولت بود زیر فیر راکت ومرمی گرفت. مردم زیادی را کشت، خرابی های فراوان کرد، موسسات دولتی بشمول دانشگاه کابل، شفاخانهٔ علی آباد ووزارت تحصیلات عالی راتاراج نمود. دیگر در آن نواحی حتی پرند ه هم پرزده نمی توانست.

دیری نگذشت که پاکستان به همدستی ایران، استداعلی مزاری را متحد گلبدین وعبدالرشید دوستم ساخت وهر سه راتحت نام شورای هماهنگی دربرابر دولت قرار داد. صیغت الله مجلدی نیز به این گروه پیوسته وعلیه دولت اسلامی موقف گرفت. پاکستان کمکهای بی حد وحصر مالی، نظامی وتسلحانی به ایشان کردبه امیداینکه اگر بتوانند دولت راسقوط داده وقدرت رادر کابل بدست گیرند. اکنون مزاری قویرشته ودولت را اختطار میداد تا کابل راتخلیه کند! راه میدانشر را بست وحتی ازرفت وآمد مردم عادی جلوگیری نمود گلبدین نواحی چهلستون رابه اختیار او گذاشت ولیسهٔ خو شجاعان را مرکز یکی ازقرارگاههای جنگی خود ساخت، وباهمدستی وهمکاری گلبدین در پلان مخفی، ساحهٔ افشار راتصرف کرد، افراد استادسیاف را از آجاییرون راند، آقای کریمی راشهید ساخت، (کریمی رهبر حزب مستضعفین مربوط قوم هزاره بود)، وانستیتوت علوم اجتماعی رابه قرار گاه نظامی خودمبدل کرده ازآجابه آسانی مناطق باغ بالا، هوتل انتر کانتیننل، کارتهٔ پروان، شهر آراء، کلوله بشته و حتی بعضی نواحی پروان سوم را را کتباران مینمود. دیگر باشندگان این مناطق که از اصابت راکتهای آقای مزاری درامان نبودند، شب وروز را باترس وییم سپری میکردند وین مرگ وزندگی دقیقه شماری می نمودند.

هوتل کانتیننل دیگر جای امنی نبود، چندین راکت آقای مزاری، افزون بر راکتهای آقای گلبدین بر آن اصابت کرد، ومهمانهای خارجی از آن کوچ کرده بودند، ومجالس ومحافل ضروری در آن دایر شده نمی توانست.

چندتن از کارکنان ومهمانی این هوتل هم توسط راکتهای مزاری کشته شده بودند. مردم کارتهٔ پروان، باغ بالا کارتهٔ مامورین ازخانه هایشان برون برآمده نمی توانستند ومارکیت میوه وترکاری بسته شده بود، چون چندراکت آقای مزاری در آنجا هم اصابت کرده بود. در یکی ازراکت پرائنهای آقای مزاری که من شاهد آن بودم، در چهارراهی شهر آرا پیش روی باغ زنانه رخ داد. این چهار راهی که شهر کابل رابه خیرخانه و کارتهٔ پروان وصل مینمود، جای جمع وجوش مردم شده بود، چون دیگر مناطق شهر توسط راکتهای گلبدین امنیت خود را ازدست داده بودند. درین چهارراهی صدها کراچی که از ترکاری گرفته تا ذغال وآرد وبرنج میفروختند وجودداشتند، بعضی از فروشنده هادر زمین متاع خود را گذاشته بودند، تعداد کثیر مردم در آنجا برای خرید مواد ضروری مصروف دادوستد بودند. حوالی ظهر بود، راکتی از افراد آقای مزاری در آنجا اصابت کردو صدای مهیبی که از آن انسان هوش خود را ازدست میداد بلند شد. گردوغبار عظیمی به هوارفت که از میان آن حرقهٔ انفجار راکت نمایان گردید، جمعیت مردم به زمین خوردند وچون رمهٔ گوسفند که خوابیده باشند، اجساد انسانها پهلوی هم افتیده وبعضاً که نیمه جان بودند مانند مرغی که حلال میشود دست و پامیزدند. من مات ومبهوت شده بودم واز ناحیهٔ اصابت راکت دور تر بودم اما صحنه رایتخوبی می دیدم. لحظهٔ نگذشته بود که راکت دیگر آمد ومتفجر شد وباز راکت دیگر، یعنی سه راکت طی کمتر از ده دقیقه در یک محل اصابت کرد، ولی تا کنون نمیدانم خودم خود را در جوی انداخته بودم یا فشار ناشی از انفجار راکت مرادر آنجا پرتاب کرده بود، وقتی سربلند کردم همهٔ آنها یکبه در آنجا بودند به زمین افتیده، کسی دست نداشت کسی پای، کسی از تنه دونیم شده و اجساد ی بودند که سر نداشتند، خون جاری بودهنوز از بدن آن انسانهای بیگناه خون فوران میکرد. کراچهای میوه ومواد غذایی توتوت ه شده وآرد وبرنج و میوه وترکار پها بخون آلوده شده بود. خراهایی که کراچهارا حمل می نمودند همه کشته شده وبعضا دونیم شده بودند، برخی هنوز زنده بودند وبرخی زخمی شده ومی نالیدند.

در همان روز وهمان ساعت که نزدیک چاشت بود بیش از ۱۸۰ انسان بیگناه شامل مرء، زن، کودک و پیرو جوان شهید شدند. صحنهٔ بسیار دردناک تراژیک وغم انگیزی بود که شرح آن هم سخت دلخراش وجگرسوز است، که نمی خواهم خاطر نازنین خوانندگان جریدهٔ دوست داشتنی امید ریشتر از این ملول سازم. ولی اینکه این انسانهای بیگناه که همه باروز گارسخت دست وگریبان بودند، پدر کی، مادر کی، خواهر کی، برادر کی وفرزند کی بودند، دردی است که تا اخیر عمر در سینهٔ بازماندگان شان زنده وایشانرا می رنجاند.

استادسیاف به احمدشاه مسعود از مشکلاتی که آقای مزاری برای افراد او ایجاد میکرد وراه رفت وآمده پیمان را از طریق افشار بسته بود شکایت کرد واز آمر صاحب اجازه خواست تا باقوای آقای مزاری که در افشار جایجا شده بود وخانه های مردم راسنگر ساخته بود، مقابله نماید وحساب شانرا تصفیه کند، اما آمر صاحب اجازه ندادو گفت من کوشش زیاد دارم که ازراه صلح مسأله راحل و فصل نمایم وبرای استادسیاف هوشدار داد که از عملیات نظامی بر علیه قوای آقای مزاری خودداری نماید، چون سنگرهای خود را در خانه های مردم ساخته و سلاحهای ثقیله در آنجا نصب کرده ومردم هنوز در خانه هایشان زندگی می نمایند. استادسیاف چون مرد باداش وتدبیر بوده وحق استادی استادبرهان الدین ربانی (رج) را بر خود فرض میدانست، ازین تقاضای مسعود (رج) اطاعت نمود واز هرنوع عملیات نظامی خودداری کرد.

آمر صاحب، داکتر عبدالرحمن و پهلوان یحیی هزاره رامؤظف ساخت که با آقای مزاری مذاکره نماند تااز پرتاب راکت خودداری وقوای خود را از افشار خارج سازد ودر برابر هر تقاضایی که دارد دولت بر آورده خواهد ساخت. آقای مزاری در ابتدا شرایطی برای دولت در برابر توقف پرتاب راکت واخراج قوایش از افشار پیشکش کرد، عدۀ ازین شرایط یکی برسیت شناختن فقه جعفری در افغانستان ودیگری دادن وزارت امنیت به حزب وحدت مزاری، دادن هژده پست مهم برتهٔ جنرالی دروزارت دفاع، اعاشه واباتهٔ قوای مزاری ازطرف دولت، برسیت شناختن قوت نظامی حزب وحدت وتبدیل کردن بامیان به چندولایت ودادن چندولایت به حزب وحدت بود.

آمر صاحب(شهید(رج) به آقای مزاری احوال داد که حاضر است هژده پست جنرالی به حزب وحدت دروزارت دفاع بدهد ولیکی ازمعاونین وزارت امنیت از حزب وحدت خواهدبود، به شرطی که آقای مزاری راکت اندازی خود را بر شهر کابل متوقف کند، قوای خود را از افشار خارج سازد. استادربانی هیتنی را تعیین کرد تا در مورد برسیت شناختن فقه جعفری تصمیم بگیرند و در صورتیکه هیئت تصویب نماید، دولت فقه جعفری رارسمی اعلان میدارد. استادربانی استاد محمدموسی توانا را که یکی از علمای جید در فقه است، بحیت نمایندهٔ خود تعیین کرد. در جلسات استادسیاف، مولوی محمدنبی محمدی ومولوی محمد یونس خالص مخالفت شدید نمودند. استاد توانا گفت که من استاد فقه هستم، درین کدام مشکلی نیست. چون استاد توانا حق استادی بر استادسیاف داشت، لذا استاد سیاف گفت من به پاس استادی استاد توانا به آن موافقه مینمایم، ولی مولوی محمدی ومولوی خالص مخالفت شدید تر کرده ودولت رامتهم به دولت شیعه هانموده ارباط خود را با دولت قطع کردند و پاکستان رفتند و پاکستان از یندو درهسته گذاری طالبان استفاده نمود.

آیت الله فاضل ازحسن نیت استادربانی واحمد شاه مسعود تقدیر کردو از آقای مزاری که بر شهر کابل راکت میزد، سخت آزرده شده بود. جناب محترم آیت الله فاضل یکی از علمای جید ودانشمند براندهٔ اهل تشیع کشور میباشد. یکی از تقاضاهای شهیداحمدشاه مسعود شهید استادربانی از آقای مزاری تخلیهٔ دانشگاه کابل ارفقوای نظامیش نیز بود، آقای مزاری در برابر آن سخت مقاومت نکردو هرگز حاضر نشد دانشگاه کابل راتخلیه نماید که درین راستا گلبدین نیز در سته بودن دانشگاه کابل وسرانجام ازین بردن آن تلاشهای جدی رابه همکاری پاکستانها اتمام داد. پاکستان برای ازین بردن دانشگاه کابل دانشگاهی را بنام پوهنتون احمدشاه ابدالی درپشاور تاسیس کردو گماشتگان دولت پاکستان منفرد انه بااستادان دانشگاه کابل تماس میگرفتند وایشانرا تشویق به رفتن به پاکستان و تدریس در پوهنتون احمدشاه ابدالی مینمودند. این پوهنتون ساختهٔ سازمان جاسوسی پاکستان، وبلائی برای تخلیهٔ دانشگاه کابل از علما ودانشمندان کشور وبستن دروازه های آن بود. پولی که به استادان فریب خورده پرداخته میشد پوهنتون سهم داشت، معلوم نیست امابه وضاحت میتوان گفت این جزء دیگری از پلان سقوط دادن دولت اسلامی افغانستان بود. اندازهٔ پولی که درهر ماه برای هریک از استادان فریب خورده پرداخته میشد، ده هزار کلدرا پاکستانی بود، در حالیکه استادان دانشگاه کابل نسبت جریان جنگ وفلج بودن دفاترو وزارتها، ماه ها معاش نگرفته مانند دیگر مامورین مواد کوپونی هم پایشان نرسیده بود. عدۀ از استادان فریب آی اس آی راخورده به آن پوهنتون پیوستند، اما تعداد کثیری از استادان باشاهمت ویا بمردی دروطن باقی مانده ومردم خود را در روز گاربدو سخت تنها نگذاشتند. گرسنگی، مشکلات، بی سرنوشتی وحتی مرگ را قبول کرده دروطن باقی ماندند، به امیداینکه روزی دروزارهٔ دانشگاه کابل باز خواهدشد، ایشان خود را مختیار آی اس آی نگذاشته وكاسه لیس پاکستان

تشدد.

احمدشاه مسعود ازین حالت سخت رنج میبرد ویلان پاکستانهارا بدقت درک کرده بود. درحالیکه جنگ بشدت روان بودورا کتهای گلبدین امکانات عبور ومرو رادر شهر کابل ازین برده بود، همه کاری را که داشت کنار گذاشت و نسبت خاصی رادر کار تهٔ پروان درخانهٔ عبدالرحیم که یکی ازدفاتر کار دولتی بود دایر کرد. درین جلسه محترمان استادمحمدافضل بنوال، استادغلام نبی ناطق، استادمحمد کاظم آهنگ، استادفیض الله جلال واینجانب وتعداددیگری از استادان که نام هایشان فراموشم شده، حاضر بودند. مسعود گفت: (به هر قیمتی که میشود استادان بایدد حفظا ش شوند ودولت هرنوع همکاری که بتواند برای آنها وبرای باز شدن دانشگاه کابل مینماید، چه استادان نه تنها چراغ علم ومعرفت در کشوراند بلکه درصدد آنم تالایشان در آینده دولت رارهبری نمایند). مسعود افزود: (من به داکتر عبدالرحمن که جز هیئت صلح است میگویم به آقای مزاری بگوید توهر تقاضایی که کردی من قبول دارم ولی من از توقف یک تقاضای شخصی میکنم وآن اینکه لطفادانشگاه کابل راتخلیه کن وبنگدار که اولاد وطن به درس وتعلیم شروع کند، وبرایش بگو این تقاضای شخص مسعود ازتوست).

قرار بر این شد که اگر آقای مزاری دانشگاه راتخلیه ننماید، در آن صورت باید دانشگاه کابل راباستادان وفامیلیانشان به ساختمانهای مربوط نساجی گلپهار انتقال داده شود، که بنابر پروپاگندو تبلیغات ناپاک آقای مزاری و گلبدین، ازین کار صرف نظر شد وبه عوض به همه استادان ومحصلین دانشگاه کابل اطلاع داده شد تا به استیتوت پولی تخنیک آمده وبه دروس خود آغاز نمایند، تازمانیکه دانشگاه کابل را آقای مزاری تخلیه نمابد. هیئت صلح که شامل داکتر عبدالرحمن و پهلوان یحی هزاره بود، رفت وآمد زبازند آقای مزاری کرد ولی هر بار آقای مزاری جواب رد میدادو میگفت نه قوای خود را از افشار خارج مینمایم، نه از راکت زنی دست میکشم ودانشگاه کابل راپهیچ وجه تخلیه نمی نمایم، تااینکه همه خواستهای ما برآورده شود یا آتهارابه زور حصول نمایم.

آقای مزاری حوصلهٔ مسعود اینکه در برابر قوای او عکس العمل نشان نمی دهد، ضعف دولت تلقی میکرد و درصدد بود تا کوههای که در عقب افشارند تسخیر نماید و در آنصورت هر ناحیهٔ کابل را که میخواست هدف قرار دهد. راکت پرانی آقای مزاری فزونی گرفت، وقتی استادان تازه به محوطهٔ پولیتخنیک رسیده بود، یکی از راکتهای مزاری درست در همان لحظهٔ که مو تر رسید، در نزدیک مو ترسرویس که هنوز استادان از آن پایین نشده بودند، اصابت کرد که سبب شهادت پوهانددا کرفتح محمد پنجشیری استاد کیمیای عضوی فاکولتهٔ ساینس و زخمی شدن پوهاند امین، استادرضاخان وتعداد دیگری از استادان دانشگاه کابل وپولیتخنیک شد. استادفتح محمد پنجشیری از استادان برجستهٔ فاکولتهٔ ساینس وشخصیت والایی بود، روح شاد باد.

چند روز بعد از حادثهٔ پولیتخنیک، راکت دیگر آقای مزاری در منزلی در کار تهٔ پروان اصابت کرد و سبب شهادت شاعر پر آوازه ومردمی کشور قهار عاصی شد. درین حادثهٔ نادر قهار هم شهید شدو هشت تن دیگر جراحات شدید برداشتند. این روز روز تأثر انگیزی برای همهٔ فرهنگیان کشور بود، کارمندان مطبوعات کشور از شهادت این شاعر پر آوازه وجوان کشور سخت متأثر بودند و در ادب و افغانستان همه بیاد قهار عاصی ماتم داشتند، چون همسرش که تازه عروسی کرده بودند در آنجانبز کار میکرد. باشندگان کار تهٔ پروان، شهر آرا وباغ بالا نزد مسعود آمدند واز راکتهای مزاری شکایت کردند که از زمانیکه او افشار را اشغال کرده، ماشب وروز درهراس زندگی میکنیم وخواب از چشمان ما پریده، واز مسعود تقاضا کردند تا این شر را از بالای شان دور سازد. ایشان از مسعود تکرار این تقاضای شانرا بیان داشتند. مسعود داکتر عبدالرحمن وپهلوان یحیی راولطفه داد تا باز هم بامزاری صحبت نمایند واز او بخواهند باقوتهای خود از افشار خارج بسازد یا از پرتاب راکت خودداری کند. مزاری به هیئت گفت: (نه افشار را تخلیه میکنم نه پرتاب راکت راقطع مینمایم، ما آماده هستیم تا آخرین قطرهٔ خود خود افشار رادر تصرف داشته باشیم). داکتر عبد الرحمن ویحی نزد مسعود بر گشته پیام مزاری را برایش دادند و گفتند او انسان بسیار کله شخ است وبه صلح تن در نمی دهد.

احمدشاه مسعود، باز محمد احمدی را که قوماندان فرقهٔ هشت قرغه بود، خواست وبه او هدایت داد تا قوای مزاری را از افشار اخراج کند. باز محمداحمدی به مزاری احوال داد که هنوز هم وقت است اگر قوای تا را از افشار خارج نمایند جنگ نمیشود واین به نفع مردم بیگانهی است که شمارد خانه هایشان سنگر ساخته وسلاح نصب کرده اید. آقای مزاری به احمدی جواب منفی دادوبه جنگ علیه او برخاست. جنگ آغاز شد، مزاری در خانه های مردم سلاحهای ثقیله خود را جابجا ساخته واز آنجا فیر میکرد به مردم ملکی اجازه نداد که خانه هایشان را ترک نمایند. این جنگ صبح آغاز یافت وتا غروب آفتاب ادامه یافت. قوای مزاری نه تنها از افشار فرار کردند بلکه قوتهای باز محمد ساحهٔ جمال مینه، دانشگاه کابل، سیلوی مر کزی، کار تهٔ سه وچهار رانیز از وجود افراد مزاری پاک ساخت، ومزاری در دشت ارچی وقلعهٔ شهاده، قسمتی از دهبوری عقب نشینی کرد ودیگر توان برگشت به آن مناطق را از دست داد.

درین جنگ که به جنگ افشار معروف است، تعدادز یاد هموطنان بیگناه ما در افشار شهید شدند، چون مزاری خانه های مردم راسنگر ساخته خود شانرا گروگان وسپر جنگ ساخته بود. قوای استادسیاف نیز درین جنگ شرکت داشتند و چون جزء قوتهای دولتی بود، قوماندهٔ آن بدست باز محمداحمدی بود. بدین ترتیب حقیقت جنگ افشار آنطوریکه از دیدگاه من گذشته است، برای خوانندگان عزیز بدون جانبداری عرض کردم، تا مردم ماقضات نمایند که مقصر اصلی کیست وکی را باید ملامت کرد. آقای عبدالعلی مزاری شخص خودخواه، لجوج، بی عاطفه بود که مقامات ایرانی در رشد او مستقیما سهیم بودند، واکثر برادران هزارهٔ ما قربانی این خودخواهیا ولجاجت این شخص شده اند. زمانیکه دانشمند فاضل حجت الاسلام محمد اکبری از طرز کار او انتقاد کرد، به او گفت: همین طرز کار منست، دلت که میبایستی بامیروی! وقتی اکبری که معاون او بود به خانهٔ میرو د، آقای مزاری افراد مسلح خود را در دل شب روان میکند که او را ازین بیرند. در نتیجهٔ برخوردی که در گرفت آقای مسلمی که از طرفداران حجت الاسلام اکبری بود شهید میشود وخود اکبری توانست فرار کند وبه دولت تسلیم شود. مزاری آقای کریمی رهبر مستضعفین را هم در زمان اشغال افشار شهید ساخت.

استاد ابو ذریکی از قوماندانهای آقای مزاری در صحنی دویستانه از مزاری خیلی شاک ی بودو میگفت: (حالا بندمانده ام، گپ هیچکس بالا یش کار نمیکند!) واز پیوستن مزاری با گلبدین سخت ناراض بود ومیگفت یک توطئه است که نه به نفع هزاره است ونه به نفع دولت، وباصدای بلند گفت: (واو یلا که ماهزاره ها دو بار اشتباه کردیم، یکی در زمان آل یحیا وبیکار اکنون). استاد ابو ذر یک مجاهد صادق، مبارز، بادانش، خوش مشرب ومهربانی بود. او قربانی آقای مزاری شد. وقتی مزاری با طالبان پیوست، طالبان وحشی استاد ابو ذر رانیز گرفتار کردند، او را شکنجه کش کرده بدنش راقطعه قطعه نمودند وبه شکل فیجعی شهید ساختند. خون استاد ابو ذر وامثال او نیز به گردن آقای مزاری است که به امر ایرانی هابه طالبان پیوست، سزای عمل خود را دید.

آقای مسلمی که یک مجاهد خوب بود ویک قطعهٔ نظامی ۱۸۰۰ نفری مزاری را سوق و اداره میکرد و در مکتب خوشحال خان قرار گاه داشت، در یک صحبت دویستانه بابکی از دویستان من گفته بود: باری اعاشه واباتهٔ (دنباله در صفحهٔ هفتم)

کرزی واحمدزی. دوزیم منفور (دنباله ازصفحهٔ دوم)
_هردو کمسیون انتخابات وشکایات انتخابات به تقلب خیلی وسع به نفع هردو کاندید، عبدالله وغنی احمدزی دست زدند. احمدیوسف نورستانی وستار سعادت روسای کمسیونها، یش ازیک ونیم ملیون رأی به نفع اشرف غنی جا سازی نمودند که کم بودافغانستان به یک بحران تباهکن دچار گردد.

بحران بابادرمیانی وزیرخارج امریکا وایجادحکومت ناکارهٔ وحدت ملی حل شد. کسانیکه دررهبری وصفوف کمسیونهابه تقلب دست داشتند، هنوزهم از امتیازات گسترده برخوردارمیشاندوهیچ نوع برنامهٔ برای به محاکمه کشانیدن شان دیده نمی شود. نورستانی دراثرفشارتهادهای اجتماعی ومردم اخیرا استعفا داد.نورستانی اگرواقعیایک انسان پاک وباجدان میباشد، بایددررسانه ها ظاهر شود، اشخاصیکه او وستارسعادت و کمیشنرهاابه خیانت تشویق کرده اند، افشا کند، ولی بصورت یقینی گفته میتوانیم که دهن نورستانی راهم بااعتای یک مقام بلند مثل سفارت بسته میدارند وهمه خیانتها ناکفته می مانند.

_ یک شخص قوم پرست بنام گلاب منگل والی سابق هیرمند، که آتجا رابه مرکز تولید وقاچاق تریاک ساخته بود، حالابصفت وزیر اقوام وقبایل، دند غوری ولایت بغلان رابه طالبان قاتل تقویض کردو به نمایندگی ازغنی احمد زی تهنهسپرد که علیه طالبان به عملیات نظامی دست زده نمیشود. طالبان از فرصت بدست آورده به تحکیم مواضع خودپرداختند. شاهراههای بغلان قندز، بغلان بلخ راموردتهدیدبقراردادند، درسقوط قندز کمک کردند وجند پایهٔ انتقال برق راتخریب نمودندوهزاران خانواده رادرشهر کابل، درسردی استخوانسوز زمستان انزور وحرارت برق محروم کردند. منگل بایشرمی تمام هنوزهم ازعمل خاینانهٔ خوددفاع میکند، زیرازپشتیبانی قوی احمدزی برخوردارمیشاد و هیچ تشویشی ازقانون ندارد.زیرامری دارودومریامخوردوخیانتش پیگیری نمیشود.

_ غلام فاروق وردک وزیرپیشین معارف منتهم میباشد که با گزارش نادرست شمارمکاتب، معلمان وشاگردان به مقامات داخلی وخارجی، صدهاملیون دالرا حیف ومیل کرده است. رهبری کنونی وزارت معارف ونهادین المللی صدها مکعب خیالی را تأیید کرده که دررسانه ها انعکاس یافته است. وردک بجای آنکه مورد پیگردقانونی قرار داده شود وتوبیخ گردد وپولهای دزدی کرده را مسترد بدارد، برای آنکه درانتخابات به نفع اشرف غنی پول خرج کرده و کمپاین کرده بود، در رأس کمسیون حقیقت یاب سقوط قندز تعین شد. کسی که در کتمان حقیقت عادت دارد، نباید ازوی راستی و راستگویی توقع داشت. _زاخلیوال وزیرسابق مالیه منتهم بود که ملیونها دالر راز گمرکهاو کمکهای خارجی وبودجهٔ دولت اختلاس کرده وآزابه بانکهای کانادا انتقال داده است. وقتا که اسنادانتقال دررسانه ها درز کرد وفشاررسانه ونهادهای اجتماعی برای روشن شدن حقیقت افزایش یافت وخوahan بررسی موضوع شدند، زاخلیوال به سفیرامریکاتوسل جست و ازوی باجشمان اشک آلودخوahan حمایت گردید. زاخلیوال ازپولهای دزدی خودبه نفع غنی احمدزی درانتخابات مصرف کرد. او نه تنها از تعقیب قانونی نجات یافت بلکه بصفت مشاوراشراد اقتصادی غنی احمد زی تعین شد واکون سفیرافغانستان در پاکستان میباشدودرجلسات چهارضلعی برای دریافت صلح اشتراک می ورزد. آچاپنین شخصی باآن گذشتهٔ خاینانه، به نفع افغانستان قدم میگنارد؟ زاخلیوال بصفت وزیرمالیه از اختلاس صدهاملیون دالراز جانب حاجی ظاهرقدیر به مجلس نمایندگان ازمالیه واردات آرد گندم گزارش داد. ولی نه حکومت ونه شورای ملی چیزی درمورد آن بیان نکردند، به مردم که خوahan در یافت حقایق میباشند، معلومات ندادند وموضوع به فراموشی سپرده شد.

_ حاجی سهرقدیر معاون اول شورای ملی دریک جلسهٔ رسمی شورا درقید قسم به خداوند، ازوجودستون پنجم درارگ که به نفع پاکستان کارمی نماید، گزارش داد. هیچکس آن اتهام راکه درحدخیانت ملی به افغانستان خطرزا می باشد، جدی نگرفت واعضای ستون پنجم در داخل نظام تشخیص نشدند وملت ازجریان آگاه ساخته نشد.

_زمانیکه موافقتنامهٔ امنیتی برخلاف خواست مردم افغانستان با پاکستان از طرف شورای امنیت ملی نهایی شد، فاروق وردک طی یک بیانیه افشاساخت که افغانستان دربدل هفتاداملیون دالربه پاکستان فروخته شده است. مقامات مسئول بویژه غنی احمدزی واتمرمشاور کل اختیارشورای امنیت ملی خاموشی اختیار کردند، وهیچ نوع معلوماتی به مردم ارائه نداشتندو کسی مورد تعقیب قانونی قرارداده نشد. تنهامعاون ریاست امنیت ملی که به امر وهدایت غنی احمد زی وحنیف اتمر موافقتنامه راشانی کرده بود، ازوظیفه سبکدوش شد !! _ یک نمایندهٔ مجلس نمایندگان درجلسهٔ عمومی، ازیک رشوت سه ملیون دالری آقای داوودسلطانزوی، مشاورغنی احمدزی وکاندید ناکام ریاست جمهور، که کمترازیک درصد رأی بدست آورده بود، پرده برداشته به سلطان زوی اتهام وارد کرد که در ازای تقویض قرارداد انتقال حجاج افغانستان به عربلستان وبرگشت شان، از یک شرکت هوایی سه ملیون دالرشوت گرفته است. مقامات مسئول هیچ نوع واکنشی درباره نشان ندادند. مردم انتظار داشتند که پس از بررسی، حقیقت به اختیارمردم گذاشته شود که نشدوآن اتهام درحد اتهام باقی ماند !

_شهرقندز طی یک توطئه توسط عمرصافی والی وشماری از گماشتگان کرزی، احمدزی، به طالبان تسلیم داده شد. طالبان باایجاد شرایط دشوار وطاقت فرسا واعمال ضدبشری، هزاران خانواده را فراری ساختند. چون طالبان درقندز وحوالی آن طرفداران تباری دارند، عملیات نظامی باوجودیکه عجالتا آنها را از شهردور رانده است، هنوزهم در گوشه های شهریبعضی ازولسوالیها حضورقوی دارند وهر آن میتواندنشهر را تهدید کندو امنیت رابرهم بزنند. گزارش فرار دستجمعی جوانان ازشهرقندز درشمارهٔ ۲۰ سپتمبر۲۰۱۵ روزنامهٔ نیویارک تایمز به نشرسیده بود که برگردان فارسی آن درشمارهٔ ۱۰۶ جریدهٔ ملی امید تقدیم گردیده است.

حکومت کمسیون حقیقت یاب رابریاست امرالله صالح وفاروق وردک برای کشف توطئه تعین نمود، ولی مردم تاهنوز درانتظاراند که بفهمند توطئه چسان درعمل پیاده شد، مسئول آن وطن فروشی ها کی هاбудند، چگونه ازین نوع واقعات در آینده جلوگیری کرد؟ !

_ کرزی چندبار ازوجود مخبران ونمایندگان کشورهای دیگر در کابینه اش اشاره کرد که حافظ منافع خارجیهابودند،ولی کرزی زبون بخاطراینکه وابستگی وتعلق خودش به خارجی هالفا نشود، از معرفی اجنت های خارجی ابا ورزید. یادداشت: به اساس گزارش (مدیاس) یک پایگاه انترتی، حامد کرزی ثروتمندترین سیاستمدارجهان میباشد. درسال ۲۰۱۵ ازدرآمد پروژهٔ عینوی قندهار، فروش تریاک، قاچاق وفروش اسلحه به طالبان وحضوردرشرکتهای خدماتی وساختمانی هشتادو دولیون دالر درآمد داشت.

سرمایهٔ شخصی کرزی ۲۴۵ ملیون دالرمیباشد. (سایت همایون)، کرزی در سال ۲۰۰۱ بایک پتو و لنگی وبیک جوره چپیک توسط چرخبال امریکا وارد کابل شده بود !!!

خدانوند لایزال افغانستان ومردمی نوای آنرا ازشر زعمای منفور، زبون، خیانت پیشه ودروغگو که بجز خود، قبیله وخانوادهٔ خود، به کسی توجه ندارند، نجات دهد. /

دربارهٔ فرهنگ (دنباله ازصفحهٔ سوم)

همچنان هزاره ها توسط زمامداران افغانستان که اکثرآپشتون تباربودند مورد ظلم و بیعدالتی قرار گرفته اند. مثلاً حملهٔ عسا عبدالرحمن خان برهزاره جات که قبلاً بدان اشاره شد. اما آنچه درهمه دوره های تاریخی رخ داده، موضوع کوچی هامیباشد. کوچی هرسال دراوِل بهار رمه های خویش رابطرف غلغچرهای هزاره جات میبرند، این امر بعضاً به تخریب کشت و کاراهالی هزاره جات منجر گردیده گاهی هم زدوخورد درآن صورت میگیرد، اما درین مناقشات حکومت مر کزی حتی امروز اکثرآز کوچی هاحمایت میکند.

بالاخره دلیل دیگرعداوت پشتونها درمقابل ایران همانافرسدان هزاران جلد کتاب به افغانستان است. از آنجاییکه ایرانی هاتمدن پیشرفته دارند، این کتب غیر پشتوزبانان را درآموختن معلومات تازه دررشته های مختلف کمک بسزایمیکند. درمقابل پشتونهاچنین کتابهارا به زبان پشتو ازآطرف سرحد درشرق بدست آورده نمی توانند. علاوه از کتب، مسایل زبانی که بیشتربه فرهنگ ایران ارتباط دارد، خشم پشتونها رابرمی انگیزد، مثلاً دانشگاه به جای پوهنتون .

خطر مذهبگرایی طوریکه گفته شد، به اندازهٔ قومگرایی زیادنیست و دردرجهٔ دوم قرارمیگیرد. امامیتواند از مذهبگرایی سوءاستفاده بعمل آید. بعد مذهبگرایی مثل قومگرایی گاهگاهی ازخواب زمستانی بر میخیزد وجاروجنگال خلی می کند. مثلاًدرین اواخر (دورهٔ عین وغین) استخبارات پاکستان کوشید که آتش مذهبگرایی رادرافغانستان شعله ور کند. چندماه قبل طالبان سرویس مسافرین را درشاهراه کابل قندهار، درغزنی وقلات ایستاد کردندوهزاره هارا ازین مسافرین جدا کرده بعضی شانرا به قتل رساندند وبعض دیگر آنها را باخودبردند تابه این ترتیب شیعیان رادرمقابل سنیان استعمال کنند. امارهبران اهل تشیع با درایتی که به خرج دادند، نگذاشتند دشمن به هدف خودنایل آید. این کارعلمای شیعه قابل تقدیر وستایش است. / (دنباله دارد)

مصاحبه با دکتر سیدمخدوم رهین (دنباله ازصفحهٔ سوم)

چارسال پیش درماه رمضان شبی فرمانده عمومی نیروهای بین المللی که یک جنرال سرشناس امریکایی بود وهمین لحظه نامش به یادم نیست، اعضای کابینه رابه افطار دعوت کرده بود. پس ازافطار ضمن صحبتهای مختلف، گفت که دورهٔ کارش بزودی در کابل به پایان می رسد. من که در کنارش نشسته بودم، آرام آرام به او گفتم حالا که از کابل میروی، خوب است یادگیری ازدورهٔ خدمتت درین شهر باقی بماند. جنرال گفت تانیم ملیون دالرمیتوانم درپروژه یی که بگویی مصرف کنم نه بیشتر ازآن . همان شب هییتی را تعین کردم تاشرح ترمیم یکی از بناهای تاریخی را که هزینهٔ بازسازی آن ازنیم ملیون دالر نگذرد، بابر آورد دقیق به من ارائه دارند. از جملهٔ بناهای قدیمی، مسجد زیبایی که گویا بازماندهٔ اواخرقرن هژده است ونیم مسجد حضرت هامشهوراست، مورد توافق مافرار گرفت که هزینهٔ آن ۴۶۵ هزاردالر میشد . نزدیک به هشت ماه ترمیم آن وقت گرفت. بیشتر مساجدقدیمی کابل بازمانده از زمان شاهجهان و اورنگزیب است، خوشبختانه اکثر آنها را به همین صورت ترمیم کردیم .همینطور درمورد چندین مسجد تاریخی وبناهای قدیمی پانتخت مثل آرامگاه تیمورشاه که سالهای درازی دروضع اسفناک قرارداشت، باغ بابر شاه که اکنون پس از ترمیم وباز سازی به مکانی دیدنی وفرح بخش تبدیل شده ، وهمین طور درولیات .

البته نتوانستم به همهٔ بناهای تاریخی رسیدگی کنم. دربارهٔ بیش ازیک هزارو دو صد بنای تاریخی که درسراسرافغانستان، غمزده وییمار از درد کهنسالی وغفلت ومصیبت جنهاروبه ویرانی است، نتوانستم کاری کنم، به هررد دروازه دوبدم، اما کسی دستگیری نکرد، داغ آن بردم چون زخم ناسوری بجا ماند . هرگاه از کناربرج نیمه ویران شهرآرا و بالاخصار کابل میگذرم، دلم میگیرد واحساس شرمساری میکنم وهمین طورا ز کنار صدها بنای تاریخی دیگر درسراسرافغانستان ! مرد رادل آب گردد چون بود
آرزویش بیش ونیرویش قلیل
از مشکلات میگویم، درعرصهٔ نشر وپخش و رسانه ها گاهی با شورای علماءسرو کله میزد، گاهی بابارلمان، حتی باخودرئیس جمهور هم مشکلات داشتم، ولی کوتاه نمی آمدم ! اهل رسانه هاهم به علت کم تجربگی برای خود وبرای من که حامی ومدافع شان بودم، دردسر تولیدمیکردند. اینان خوشبختانه هرروزی که میگذرد بطرف پختگی و بلوغ مسلکی درحرکت اند. شکایات اشخاص ازناحیهٔ افترا و تهمت یاهتک حرمت ودخالت درحریم زندگی خصوصی که اینک کمتر شده است، گاهی کارآشتی ورفع کدورت میان شخص شاکی و رسانه رامشکل میساخت. کمبودافراد مسلکی درهمه عرصه هಾಮشکل بزرگ دیگر بود. مادرحمهٔ عرصه ها کوشیدیم جوانان آموزش ببینند وتجربه بگیرند، اما همهٔ اینها زمانگیربود و کار و پیشرفت رابه تعویق می انداخت .

میدانید مشکلات عجیبی درآن سرزمین وجوددارد. راههای حل نیز به سادگی میسر است، اما به دلایل مرموزی به آنها توجه نمیشود. مثلاً شما میدانید که همه ساله ملیونها جلد کتاب درسی برای مکاتب افغانستان چاپ میشود، باصرف دهها ملیون دالر آنرا در کانادا واندونیزیاچاپ میکردند، ووقتی درآن اغلاط فاحش می یافتند حیران میماندند که چه کنند، همهٔ آنها را دوباره به آن کشورها بفرستند تا اصلاح شود یا به کنجی بیندازند ! من باسنجشی که به مدد کارشناسان خودما کرده بودم، چندبار درشورای وزیران مطرح کردم که اگرین سه تانچ ملیون دالر در تجهیز مطبعهٔ دولتی مصرف شود، میتوانیم همهٔ این کتابهارا درداخل چاپ کنیم، وازمصرف دههاملیون دالر واینهمه جنگال راحت شویم.

برعلاوه من کوشیده بودم تاناشران داخلی راتشویق کنم ونگذارم که دیگرنشرو پخش آثار و کتب مثل گذشته درانحصارحکومت ومحدود بماند، که در نتیجه خوشبختانه امروز تعداد زیادناشران داریم. آنها نیز میتوانستند درین امر سهم بگیرند و کمک شوند وبهر روی پا بایستندو دههاملیون دالر به خارج، آتیم باقبول کاستیهای فنی هلر نرود. هیچکس نظر مرا درنگرد و نمی توانست رد کند، اما این کار هرگز صورت نگرفت، زیراسودهای کلان را به جیب کسی نمی انداخت ! مثال دیگر برایتان عرض کنم . ما درجمع صنایع دستی خود گلیم بافی نمیدافوی شرط نجی بافی داشتیم که هزاران خانوادۀ فقیر بخصوص در مناطق مرکزی کشور از آن طریق اعاشه میکردندو جهانگردان هم به خرید آنها سخت اشتیاق داشتند. اما بجای آنکه بکوشیم این صنعت و هنر راتشویق وتقویت کنیم، دروازه رابروی فرشهای ماشینی خارجی باز کردیم. نتیجه آن شد که این صنعت درحال مردن است. من دوبار به شورای وزیران پیشنهاد کردم که باتوریدفرش خارجی منع شود ویا محصول گمرکی گزاف برآن وضع شود، وبه بافندگان داخلی از نظر تهیهٔ مواد خام مدد رسانیده شود. کسی به این موضوع نپرداخت. وابستگی هاوزد وبندها وسودهای کلان موانع بدی اند. میدانید

ما درافغانستان چوب چار تراش فراوان داریم، در کارچوب هم سابقهٔ تاریخی داریم، چوبکاری کابل شهرت تاریخی دارد، چوبکاری نورستان با آن برش های هنرمندانه اش کم نظیر است. اما بازارها پراز وسایل چوبی خارجی است که از ترکیه وهند واندونیزیا وارد میشود. به خانه هریک از ثروتمندان که بروی با افادۀ خاصی میگوید که این سیت کوچ وچوکی را، آن مویل راواین الماری وآن میز نانخوری را ازفران کشور خواسته !

پرشش: خوب اینها دربارهٔ گذشته بود، حالا که درحکومت نیستید، به چه چیزی اشتغال دارید؟

پاسخ : باید گفت حتمی نیست که باید درحکومت باشیم و وزیرباشیم تابرای مردم ووطن خدمت کنیم، درهمروقتی میتوان خدمتی کرد. من درحال حاضر رئیس دانشگاه یومف سویس در افغانستان هستم، ازین طریق هم میتوان درخدمت آموزش وپرورش نسل جوان کوشید وهم رزق و روزی حلال بدست آورد. دراوقات فراغت گرفتار کار کتاب امان التواریخ هستم. قبلاً نسخه های عکسی آنرا باتیراژ کم در دسترس اهل علم و کتابخانه ها گذاشته ام، اما نیاز است تابصورت حروفی وبا ویرایش علمی به چاپ برسد که این کار البته وقت کافی می طلبد. این اثر یگانه تاریخ مفصل افغانستان است.

پرشش : آیا حاضرید در کابینهٔ موجود عضویت داشته باشید؟

پاسخ : بگذارید خاطره ئی رابه شما بگویم . در آخرین جلسهٔ شورای وزیران به ریاست حامد کرزی، رئیس جمهور بیشتر دربارهٔ انتخابات و بازنده و برندهٔ آن صحبت میکردواینکه چه کسانی ازجمع ما در کابینهٔ بعدی هم عضویت خواهند داشت. اول روی به زاخلیوال وزیرمالیه کردو گفت میدانم که شما به نفع کی کار کرده ایدودر کابینهٔ آینده میمانید. بعدبه دوفردیگرم همینطور گفت. درین وقت چشمش به من افتاد و پرسید که شما چطور، در کابینهٔ آینده خواهید بود؟ من به سرعت جواب دادم که :

دگر مباد نصیم که نام عشق برم
بس است آنچه کشیدم من از محبت تو
رفقا خندیدند و کرزی چیزی نگفت !
پاسخ به سؤال تان این است که نخیر باحکومت موجود همکار نخواهم بود. اما مانند دیروز ومانند امروز باز هم به رنگی و صورتی در خدمت مردم وبامردم خواهم بود.

پرشش : به نظرتان برای آینده بایدچه شود تاوطن ازین مصیبت نجات یابد؟
پاسخ : اگر سؤال تان دربارهٔ جنگ وصلح است، باید گفت که ما فرصتهای بسیاری را که برای پیروزی داشتیم ازدست دادیم. نه آطور که می بایست ارادۀ جنگ داشتیم ونه راه رسیدن به صلح رابدرستی دریش گرفتیم. بدون آنکه دشمن راجانکه لازم بود کوفته باشیم، خواستیم که صلح را باعجز ونیاز ازدشمن گدایی کنیم. وقتی بخاطر صلح پیش دشمن زاری کنی، چه توقع داری که جز با نحت و افزون طلبی و اباورزیدن وتراخیر شمردن، به تو چگونه پاسخ دهد؟! حکومت حاضر باهمه یکبارگی وناکارگی وحتی زیانمند بودنش نباید سقوط داده شود، چرا که سقوط آن سقوط نظام خواهد بودودرچنان حالتی تباهی را بدنبال خواهدداشت وعواقبی فاجعه خیز را. بیاداینان لویه جرگه ئی را که وعده کرده بودند مطابق به حکم قانون اساسی دایر کنند. البته نه لویه جرگهٔ عنعنوی بلکه دقیقاً درمطابقت باقانون اساسی . بدین منظور بایدهرچه زودتر کمسیون نو انتخابات بدون تعلل وتعویق وبهانه جویی تشکیل گردد، کمسیون کاملاً بیطرف نه مرکب ازخویشاوندان ووابستگان ونوکران (این) و (آن) . تا اعتماد ملت به انتخابات ودمو کراسی اعاده شود، چرا که خیانت کمسیون مزدور و متقلب به ملتی که انگشتانش رابریدند وبازهم درانتخابات شرکت کرد، چنان ضربت روحی وتحقیر آمیز زد که تامطمئن نشود که دیگر قلب وخیانتی در کار نیست، بسوی صندوق رأی نخواهد رفت.

نظام آینده باید صدارتی باشد، نظام ریاستی ثابت کرد که به درد افغانستان نمی خورد. درطرف چهارده سال گذشته مایابد صاحب احزایی میشدیم که میتوانست به پارلمان نماینده بفرستد. سالها پیش به آقای کرزی پیشنهاد کردم که به ساختن یک حزب پرتوان موافق با حکومت اقدام کند ودرعین حال کمک کند تا حزب مخالف حکومت هم شکل بگیرد، وهردو حزب آرام آرام بطرف پختگی بروند و حکومتهای بعدی از آغوش این دو حزب فراگیرملی پایه عرصهٔ کشور داری بگذارند. در آنصورت پارلمانهای برآمده از یکپارهای حزبی نیز صالح وباصول خواهندبود و دمو کراسی بحق درین دیار ودر اعماق توده ریشه خواهد دوانید واین اقدام مارا تاریخ تحسین خواهد کرد.

کرزی هیچگونه علاقه به وجود احزاب نشان نداد و گفت من به حزب و حزب بازی عقیده ندارم، من به مردم عقیده دارم . گفتیم احزایی که فراگیر و خالی از اغراض نفسانی خفیر باشند ومطابق اصول دمو کراسی واحکام قانون اساسی تشکیل یافته باشند، خود حامل خواستهها و آرمانهای مردم اند، برعلاوه آوردن پارلمان سالم ودارای احساس مسئولیت وتحقق بخشیدن به دمو کراسی، بدون وجود احزاب سیاسی متصور نیست. دیدم که کرزی ذهناً با معیارها و اصول دمو کراسی ومردمسالاری مانوس نیست وبیشتر مثل یکفرخان وملک می اندیشد تا زعمیی معتقده اصول دمو کراسی ومؤلفه های جامعهٔ نوین.

بهر حال امروز ما ازین ناحیه دچار کمبود وکاستی بزرگی هستیم. اگر از احزاب قومی که نمی توانند فراگیر وملی باشند بگذریم، شمار زیادی احزاب خردوریزه داریم که فاقد جامعیت اند وتوانسته اند مردم را بسیج کنند. پس هنوز که هنوز است، یعنی پس از یازده سال نفاذ دمو کراسی در کشور، این خلاء بزرگ همچنان محسوس است. گفتنی های بیشتری درین باب وهراب هست که در فرصت دیگری روی آن صحبت کنیم .

امید : با تشکر از جناب شما، برایتان موقتیت بیشتر آرزو می کنیم. /

صفحاتی از زندگی پر نشیب وفران... (دنباله ازصفحهٔ چهارم)
کشیدن دویسرم ازافغانستان درسال ۱۹۸۰ واعزام آنها از طریق جلال آباد به پاکستان وتصمیم خارج شدن ازوطن عز بزرا داشتیم نخست همسرویک دخترم رابه پاکستان وبه هندفرستادم وبعدهخودم دراخیرسال ۱۹۸۱ به کمک برادر گرامی وباجه ام مرحوم عبدالغیاث ارسلائی ازطریق غزنی وکنواز پس ازطی شش شب وروز راه دشوار، وطن شیرین راترک ووارد پشاور پاکستان شدم . پس از شش ماه در پاکستان، همسرم که بااطفالم بیعت رفوجی به امریکا مقیم شده بودند، متقبل مسافرت وسپانسرم شدند ودرماه می ۱۹۸۲ به ایالت ورجینیا که بیش ازسه دهه به اینطرف درآن زندگی میکنم، مواصلت کردم. حدود مدت یازده سال در کتابخانهٔ مرکزی علمی وتحقیقاتی یونیورسیتی جورج تاون درواشنگتن دی سی مؤظف شدم و ریاست اتجن صلیح ودمو کراسی برای افغانستان وعضویت بورد اتجنم دادکتان افغان رادرمرکز بعده داشته ودرطول این سالهادر تحریر و ترجمهٔ مقالات وایراد کنفرانسها درجهت پشتیبانی از مقاومت ملی وداعیهٔ صلح افغانستان، صرف مساعی کرده ام.

دروطن عزیز سه مرتبه به اخذجایزهٔ مطبوعاتی نایل گردیدم، ودوبار در پروگرام های تبادلۀ استادان سازمان صهی جهان بیحث پروفیسر مهمان به کشور های ایران، عربستان سعودی، مصر و آلمان مسافرت نموده درسینارهای بین المللی مایکروبیولوژی نیز اشتراک نموده ام. / (دنباله دارد)

دو زد مسلح در یک درگیری بلزداشت شدند
۱۴اپریل /اییک-باختر : در یک درگیری مسلحانه میان پلیس و دزدان مسلح دو دزد بازداشت شده واز نزد شان یک میل کلاشینکوف ویک عرادۀ موتر سایکل بدست آمد.بدین رویداد پیش از چاشت امروز زمانی رخ داد که تعدادی ازدزدان مسلح سرک مواصلاتی ولسوالی دره صوف و ولسوالی کشنده ولایت بلخ رامسدود نموده ومیخواستند اموال ودارایی های مسافرین را به سرقت ببرند که پلیس از موضوع اطلاع حاصل نموده ودر آن محل عملیات را انجام دادند که به درگیری منجر شد.دردرگیری به پلیس آسیب نرسیده اما دوتن از دزدان دستگیر واز نزدشان یک کلاشینکوف ویک موتر سایکل بدست آمد .

بازگشت همه به سوی اوست به یاد شادروان محمدعصیم کوشان که همکار مهربان امید تا روز پیوستنش به حضرت حق (ج) بود.



بر گلُ چو بنگرم به چمن سرو ناز من
بر یاد رنگ و بوی تو من گریه می کنم
با آنکه دیده ام ز غمت کور گشته است
هر شب به جستجوی تو من گریه می کنم
یارب ! تو به من باز بده یوسف مرا
سجده کنان به سوی تو، من گریه می کنم ...

نخستین بهار بی محمدعصیم جان

بهار آمد گل آمد، گل آمد سنبِل آمد، به گلشن بلبل آمد
همی گریم ز عشقت ژاله ژاله، الا ای رشک لاله
بیا تا من به غم هایت ستیزم ، گل لاله سر قبر تو ریزم
گل لاله به باغ است، دل او داغدار است
نه چون من بی دماغ است، به کف دارد ز خون دل پیاله
همی گریم ز عشقت ژاله ژاله، الا ای رشک لاله
بیا تا من به غم هایت ستیزم ، گل لاله سر قبر تو ریزم
گل لاله گلی من ، سروش و غلغل من
می و مینا مل من، تو برگ لاله و من داغ لاله
الا ای رشک لاله ، همی گریم ز عشقت ژاله ژاله
بیا تا من به غم هایت ستیزم ، گل لاله سر قبر تو ریزم

سخنی چند از اندیشه های مسعود (دنباله ازصفحهٔ پنجم)

افراد به مشکلات مواجه شد و من نزد آقای مزاری رفتم وپرايش جريان راحکا به کردم که افراد به کمیودموادغذایی دچاراند، وخواهان کمک ازو شدم. مزاری بسویم خوب نگرِیست و بعد گفت: توجه قسم قوماندان هستی که تمام غرب کابل باهمه خانه ها ودو کانها دراختیارتوست وتو افراد خودرااعاشه واباته کرده نمی توانی. تویک قوماندان بی کفایت هستی) ! دوستم میگویدمسلمی گفت: من بسیار متأثرشدم که آقای مزاری مرابه دزدی تشویق می کند.

جای افسوس است که همهٔ این طرز دیده‌های غیرسالم آقای عبدالعلی مزاری با همه خودخواهی هاو خود کامگیهای او، برایش مجالس یادبودمیگیرند واورا در ردیف شخصیتهایی قلمدادمینمایند که باو مطابقت نمیکند. نادیده گرفتن خون قهارعاصی، پوهاندداکترفتح وصدهامهموطن دیگر که توسط راکت پرنایه‌های آقای مزاری شهید شده اند، وخاک زدن به چشم ملت بخصوص ملیت هزاره که صدها شخصیت والاتر از آقای مزاری درمیان شان است، میباشد.

بعوض این که از روزشهادت آقای مزاری که محض جنبهٔ سیاسی دارد، بهتر است که ازروزشهادت استادابوذر، روزوفات دانشمند گرامی آیت الله فاضل، مبارز نستوه سیداسماعیل بلخی وصدهامجاهد سربکف هزاره تجلیل نماییم، که مستحق اند نه آقای مزاری. آقای مزاری مجاهدین هزاره رادست وپابسته به

طالبان تسلیم کرد که وحشی وخونخور بودند وصدهافرنزنده‌هزاره را به بدترین وحشیانه ترین شکل شهید کردند که درمیان بشریت نه، حتی درمیان حیوانات

درنده هم نظیرنداشت. اگر شخصیت آقای عبدالعلی مزاری معیاری برای الگوی

ملی شدن در کشورباشد، گلهٔ ملاعمر کذاب، گلبدین و جلال الدین حقانی در

بالای چشم ملت مایابد باشد که ازایشان یادبود نکرده اند ومجالس ومحافل

نگرفته اند وعکسهای آنهاراجون عکس های آقای مزاری درجاده های وطن

نیاوخته اند، چه آقای مزاری در عملکرد بااین سه جانی چندان تفاوتی نداشت،

فقط تفاوت اینست که این سه درخدمت حکمرانان پاکستان اندو آقای مزاری

درخدمت آخوندهای ایرانی بود. خاتمهٔ مقاله .

پاددهانی: باید یادآورشد که تهیهٔ این سلسله مقالات تحت عنوان (سخنی چند ازاندیشه های احمدشاه مسعود رح) که درچندین شمارهٔ هفته نامهٔ وزین امید نشر شده بدون همکاری گرانبهای دوستان وعزیزانم درسراسرجهان ونواحی مختلفهٔ کشورعزیز امکان پذیرنبود. ازهمکارهای صمیمانهٔ این دوستان که بارهاوساعته‌ها ایشانراتلفونی زحمت داده ام، ازصمیم قلب تشکرمیکنم، واز سردیر مدبر و دانشمند امید که دراصلاح مقالات همکاری بی شائبه نموده و آنچه که نوشته شد، باماتنداری که شیوهٔ ایشان است، نشر نمودند، قلباً سپاسگزارم. وقتی هر سطر این مقاله رامینوشتم، به این مردباعظمت، محمدهقوی کوشان، می اندیشیدم که با همه اندوه وغصه ایکه ازدوری وبه ابدیت پیوستن فرزندانزین شان محمدعصیم جان داشتند، بدون خستگی درنشرامید که کار آسانی نیست، تلاش وزحمتکشی می نمایند. جناب بزر گوار گرامی کوشان صاحب! خداوندمتعالم (ج) اجر دارین نصیب شما بنماید که چراغ روشنگری وخدمت به وطن رنجور همهٔ ما را بدوش دارید، و تنهاحمل مینمایدوماهیچ یاری کرده نمی توانیم. ازخداوند لایزال(ج) برای عصیم جان نازنین که سالهادرنشر امید همکاری نمودند، بدون اینکه نامی ازیشان برده شود، این کار خیررا کرد، بهشت برین راخواهانم.

پیشنهاددیده اینست که به پاس خدمات آن جوان بهشتی، که ماقط وقتی از خدمات او درامید اطلاع یافتیم که ازما دورشد، نامش وتصویرش درگوشه گکی ازامید برای همیشه درج گرددتا درهر شماره یادش تازه باشد وسپاسی به خدمتاش داده شود. باتقدیم حرمت واحترام، صبور فروزان . /

نقش ما در انتخابات امریکا ... (دنباله ازصفحهٔ دوم)

ایندو انتخاب کنیم. وی کدامین است؟ بدون تردید و هیچ شکی آن شخص آقای برنی سندرزمیباشد. پاسخ چرا ها را اینجا مینویسیم: ویژگی های آقای برنی سندرز :

۱-وی مخالف نقش شرکتهای غول پیکر وسوپر پک هاست که با پولهای وافرشان نظام انتخاباتی را آلوده میسازند باخریدبا پول سیاسیون، آنها را در نظام دولتی راه میدهند و دولت ها را بنفع خود و منافع شان میچرخانند. وی با تصمیم دادگاه عالی یا ستره محکمه امریکا زیرنام Citizen United که همین روند (نقش پول این شر کتها) را مجاز دانست و رویکار کرد، مخالفت دارد و می خواهد آنرا لغو سازد. وی شعارمیدهد کسبیکه این پولها بدست میآرد، نمیتواندیا همچو آلود گیهامارزه کند(اشاره به خانم کلینتن)، وآوزمیکشد که آنهامنتوانند اورا بخرند چون او برای فروش نیست برخلاف، خانم هیلری کلینتن مشکلی با این مطلب ندارد و از این پولها برای مبارزاتش استفاده میکند.

۲-وی شعارمیدهد که بیمه و حفظ الصحه و درمان، حق هر فرد است و جامعه بدون چون و چرا آنرا باید مانند سایر کشور های متمدن و پیشرفته برای همه مهیا سازد.

۳-وی طرفدار تحصیل رایگان برای محصلین است واینرا وجیبه دولت میداند که مانندسایر کشورهای متمدن و بزرگ مکاتب، کالجها ودانشگاههای عامه را ایجاد کند تا محصلین در پی پایان دادن درس ها بشان زیر بار گران قرضه ها گور نباشندو تا آخر عمر گروگان تحصیلات و پیشه شان نگردند. وی میگوید که دولت فدرال امریکا تنها از قرضه های محصلین امریکا طی ده سال آینده ، مبلغ یکصدهو ده میلیارد دالر نفع خواهد برد.

۴-وی طرفدار حقوق اجتماعی همه واقلیتها تاحدی است که مسلمانان در همه شهر ها وایالات امریکا بنام حامیان برنی سندرز که اتش جنبش برنی سندرز را درک کرده اند، به جنبش وی پیوسته اند ودر فراخوانی مسلمانان بحمایت از جنبش وی شب و روز میگویند.

در پایان باید گفت که ما با انتخاب خانم هیلری کلینتن فقط دارای یک رئیس جمهور عادی خواهیم شد که فقط چهار سال یا هشت سال ویا (در پی انتخابات احتمالی چهار سال بعدی) بدون تفاوتهای خوب وعالی ریاست خواهد کرد. ولی از آنجا که آقای برنی سندرز فقط یک نامزد عادی ریاست جمهوری نیست بلکه در ذات خود یک (نظام) هم است ، برای ما نظام امریکا را تغییر خواهد داد که نه تنها برای امریکا از درون ویرون خوب خواهد بود بلکه برای همه اقلیت ها ارزش آفرینی خواهد کرد که خود در جامعه امریکا حال و شان شایسته شانرا بدست آرند وجز پرافتخار جامعه و مشغول شگوف سازی آن گردند. پیروزی های این مرد مبارز و حق جو قابل تقدیر است .

فراوش نشود که بنابر مبارزات مردمی و راه اندازی یک جنبش مردمی و انسانی آقای برنی سندرز، جریان و روند مبارزاتی حزب دمکرات راتاحدی تغییر داده ومتاثر ساخته، که خانم هیلری کلتن دیگر از گفتن شعارهای قبلی خودش بازمانده وشعارهایش بسیار مشابه به شعارهای سندرز شده است. آقای برنی سندرز این مبارزاتش را یک انقلاب سیاسی نام گذاشته و بنا حدود بیش از ۶ میلیون کمک کننده دارد که بوی کمک پولی کوچک میفرستند. تعداد کمک کنندگان خانم کلینتن فقط در حدود یکصده و پنجاه هزار نفر است.

هر چند خانم کلینتن رای بیشربدست آورده وشمار دیلیگیتهای وی (که روسای حزب هم یاد میشوند) زیاد دارد، ولی هنوز تعداد زیادی از ایالات امریکا اند که انتخابات برگز انکرده وفرصت برای وی است تابه نامزدی حزب دمکرات برسد وبالاخره برگزیده ریاست جمهوری امریکا گردد. به عبارت دیگر، تا

تور گرم است یاباید تسلیم تبلیغات نگر دیم و نان بتنور بزنیم.

در پایان پایان چنین خلاصه میتوان کرد که یک مسلمان باید بکوشد با خوب ها سرو کار داشته باشد، و اگر گزیننه بهتر از خوب برای وی مهیا شود، چاره ندارد جز اینکه آنرا برگزیند. خانم کلتن خوب است ولی آینده رابرای ما زیاد تغییر نخواهدداد، بخصوص در چنین حالات دلخراش کنونی. ولی آقای برنی سندرز بهترین است و نباید او را دست کم گیریم. شایدصد تا دوصد سال دیگر رادر بر گیرد تا باز همچو فردی در فضای سیاسی امریکا قدبلند کند که در آندم ماها نخواهیم بود. بنا یاباید کیرنکنیم و این انگور نزدیک رادور ندانیم ومنکر شیرینی آن هم نشویم بلکه قشعی بازی کنیم تا گوارایی آن همه گیر گردد. وبعنوان مطلب اصلی این نوشته خواهشمندم در هر ایالتی که قراردادید متوجه تاریخ انتخابات باشیدو برویدوباریختن رای خویش تاریخ راگوارا سازید، مثلاً ۱۹ اپریل درنیویورک، ۲۶ اپریل در پنسلوانیا و ۷جون در کالیفورنیا.

تشکراز سهمگیری شما درجریان این انتخابات بعنوان یک حرکت معقول و اخلاقی و هم هدفمندانه وسازنده.
آرزوی موفقیت ورستگاری شما عزیزان.
۱۲. اپریل ۲۰۱۶

سرگردانی بیش از دوهزار پناهجوی افغان در یونان

۱۴ اپریل /واشنگتن - صدای امریکا:درییش از یکسال گذشته، بیشتر از ۱۵۰ هزار شهروند افغانستان به دلایل امنیتی و اقتصادی مجبور به ترک کشورشان شدند و اکثر آنان با قبول خطر به زندگی شان راهی کشورهای اروپایی شدند.آنهم از طریق قاچاقبران انسان. همین حال، بیش از دوهزار پناهجوی افغان از ماهابه ای‌نسو دریکی از کمپهای نظامی در جزیرهٔ لسبوس یونان با آئنده نا معلوم وزندگی رقتبار بسر می برند.

جمشیدعزیزی، یکی از افغانهایی است که بدلیل تهدیدمستقم به زندگیش، حدود سه ماه قبل مجبور به ترک سرزمین خود شد و حال در جزیرهٔ لیسبوس یونان در یک کمپ به سر میبرد. او گفت تا ز کابل به نیمروز رفتم، بعدبه پاکستان، سپس به ایران، به تعقیب آن به ترکیه و در نهایت به تاریخ هزدهم فیبروری به جزیره لزبوز یونان رسیدم. پس از رسیدن به جزیرهٔ لزبوز، عزیزی تلاش کرد تا از طریق مقلدونیّه خود را به یکی از کشور های نسبتاً مرفع اروپایی برساند، اما چانس با او یاری نکرد وحتی موردلت وکوب قرار گرفت. عزیزی میگوید در کمپ نظامی که او با بیش از دو هزار پناهجوی افغان به سر می برد، زندگی رقتبار است و با اندک امکانات شب و روز را سپری می کند.

عزیزی بیش از دهسال باقوای ناتو بشمول نیروهای امریکادر افغانستان بحیث ترجمان ایفای وظیفه کرد، اما درخواست او برای دریافت ویزهٔ مهاجرت ویزه به امریکا به دلایل نا معلومی رد شد.

گفته میشوداکثر پناهجویان افغان به دلیل افزایش بیکاری مجبور به ترک کشورشان میشوند، اماعزیزی میگویداوندگی نسبتاًمرفه داشت. اما ایفای وظیفه باقوای ناتوزندگی او را به مخاطره انداخت.

زهراوفایی، خانم ۲۳سالهٔ افغان، نیز به دلیل تهدید های امنیتی مجبور شده تا کشورش را ترک کند. خانم وفایی که ادعامیکند از بیماری سرطان رنج میبرد، میگویدبه اند کترین خدمات صحی دسترسی ندارد. اودر حالیکه تلاش میکرد جلو احساسات وگریه خود را بگیرد، گفت بدلیل تهدیدطالبان وداعش مجبور به ترک کشورش شده است. خانم وفایی گفت: جان ما درخطر بود که اینجا آمدیم. نمی دانم حالا چه کار کنیم . /

شرح اشتراک هفته نامهٔ امید

ایالات متحده: ۶ ماه (۴۵دالر- یکسال(۹۰) دالر

کانادا: ۶ ماه (۵۵) دالر = یکسال (۱۱۰) دالر

سایر کشورها: ۶ ماه(۶۵) دالر- یکسال (۱۲۰)دالر

Omaid Weekly

P.O. Box 30818

Alexandria, VA 22310

Tel/Fax : (703) 491-6321 Cell:(571)435-4604

Email: mkqawi471@gmail.com

تجلیل نوروژ در شمال کالیفورنیا توسط انجمن فرهنگی دانش

انجمن فرهنگی دانش در شمال ایالت کالیفورنیا، مثل سالهای پیش، نوروز سال۱۳۹۵ را طی یک همایش بزرگ به روزشنبه دوم ماه اپریل ۲۰۱۶ در یکی از پارکهای شهر فریمونت درحوالی سانفرانسیسکو تجلیل نمود. درین همایش که باسرور وشادمانی وصرف غذا و سمنک تاحوالی ساعت ۶شام ادامه یافت، شمار زیاد مردم ازهمه اقوام افغانستان، شامل مردان، زنان، نوجوانان واطفال شرکت ورزیده بودند. شماری ازدانشمندان وفعالان دینی ومذهبی ساکن در منطقه هم باخانواده هایشان تشریف داشتند .

درین روزشمار محدودملاهای کوردل، تاریک اندیش ویخبزارتاریخ ، در کابل به تبعیت ازعریبهای وهابی، طالبان فرهنگ ستیز به دستور آی اس آی پاکستان، علین نوروز تبلیغ میکنندوباحرام خواندن آن، میخواهند یک بخش بسیارزیا وعظیم فرهنگ مارا که بیشینهٔ بسیار دراز دارد، حذف بدارند. ماهمه میدانیم که نوروز نه تنهاپادین اسلام وهردین دیگر در تعارض قرارندارد، بلکه عظمت، پینا وبزرگی خلقت خداوند رابه نمایش میگذارد، زمین از کرختی سردی زمستان نجات می یابد، حیات دوباره حاصل میکند، درخت، سبزه، گل به خودنمایی آغازمی نماید، سرور وزیبایی وشادمانی وقشنگی بازمی گردد.

خداوندمنان دنیا را ماتم خانه خلق نکرده است، امیدواریم بزودی دشمنان نوروز سریعب یابند واین عطیهٔ عظیم خداوند را ارج بگذارند، از آن به شناخت بهتر خداوند استفاده کنند. (عکس صفحهٔ اول مربوط این محفل است.)

برگ درختان سبز در نظر هوشیار هر ورقش دفتری ست معرفت کردگار *****

تصحیح وعرض پوزش

درمقالهٔ جناب پروفیسرداکتر حمید هادی باعنوان(قیام فاشیسم جهانی وخطرات آن) -منتشرهٔ صفحهٔ دوم امیدشماره ۱۶-۱۰. درشرح فقرات دهگانهٔ مشابهات کارهای زشت وضد انسانی جورج دبلیو بوش با کار های ناروای هتلر ورژیم فاشیستی او، فقرهٔ پنجم ازنشر بازمانده بود. باعرض پوزش خدمت خوانندگان ارجمند ونویسندهٔ دانشمند، فقرهٔ پنجم را ذیلاً تقدیم می داریم. اداره ۵- درزمان بوش در زندان گوانتانامو بی، اوراق قرآن مقدس رادر کمودتشناب انداختند. درزمان نازی جرمنی، پلیس گشتابو صفحات مقدس یهود راکه در وقت عبادت استعمال میکردند، در کمودتشناب انداختند.

پرو تو نادری

پایمال مار چندین سر شدیم!!!

آفتاب از سوی دیگر بر شده

می گسار نور بی ساغر شده

زورق خورشید بی کافور نور

آسمان دریای بی گوهر شده

شهر ما بت خانهٔ پندارهاست

بت گری را هر یکی آزر شده

کشتی اندیشه ها در گل نشست

گویی این جا بادبان لنگر شده

تا که شب وارونه می پوشد قبا

وسعت اندیشه بی خاور شده

آسمان از ابرها پوشیده روی

دامن بانوی باران تر شده

کاج سبز زندگی در باغ مرگ

ذره ذره سوزن و خنجر شده

ابراهی گریه ها لبریز خون

لاله های خنده ها پرپر شده

باغبان دروازه های باغ بست

بر قیام سبزه بی باور شده

رفته در خرگاه آتش شهر من

یا سیاووش در شراری در شده

لحظه ها آبستن سوگ است و مرگ

باد و آتش تا که هم‌بستر شده

رونق مه را شکسته آفتاب

در میانه دیوی شب داور شده

آسمان خاکستر خرگاه شب

چشمه چشمه اختران اخگر شده

کوه‌ساران کوه آتش کوه دود

چشمه ساران چشمه های شر شده

بس که سم زد خنگ آتش هر کجا

زندگی انبانی خاکستر شده

آرزو این دشت زرد خاکنود

کاروان هیچ را معبر شده

چون قفس این آسمان، سیمرغ مهر

در قفس وا مانده مشت پر شده

آفتابی می درخشد در دلم

واژه های شعر من آذر شده

روی کاغذ اشک رنگین قلم

جنت دست مرا کوثر شده

ما صدا کردیم و کس پاسخ نداد

یا که یک سر گوشِ هستی کر شده

./

کتاب (یادداشت‌های استادخلیل الله خلیلی) توسط بانوماری خلیلی ناصری و آقای افضل ناصری، به تازگی به زبان انگلیسی ترجمه شده است. علاقمندان میتوانند نسخه آنرا از مرجع ذیل بدست بیاورند :

Memoirs of Khalilullah Khalili: An Afghan Philosopher Poet – A Conversation with his Daughter, Marie (ISBN-13: 978-0615889726, 554 pages, \$19.99) is available in paperback in English and Persian at www.amazon.com.

Omaid Weekly

The Most Widely Read Afghan Publication in the World

Volume 24, Issue No. 1017, April 15, 2016, ISSN 1098-8777

Founder, Publisher & Editor-in-Chief: Mohammad Qawi Koshan
P.O. Box 30818, Alexandria, VA 22310 U.S.A.

Tel/fax: (703) 491-6321 Cell: 571 435 4604
Email : mkqawi471@gmail.com

خاطرات استادان و شاگردان

لیسه عالی حبیبیه

بزودی کتابی شامل تاریخچه و خاطرات استادان و شاگردان لیسه عالی حبیبیه همراه با عکسهای تاریخی به چاپ می رسد. علاقمندان لطفاً هرچه زود تر شرح حال و سرگذشت و خاطرات خود را به آدرس هفته نامه امید ویا ایمیل ذیل تا آخر ماه جون ۲۰۱۶ ارسال دارند.

تلفون ۰۵۷۱-۴۳۵-۴۶۰۴
mkqawi471@gmail.com
Omaid, POBox 30818, VA 22310 USA

PHONE # (510) 792-2629	BANK OF AMERICA	ACCT # 06636-74303
خانواده های فقیر و بی پناه در افغانستان چشم براه کمک های شما هستند.		
		PANAH CHARITY P.O.BOX 3131 SAN RAMON, CA 94583 www.panahcharity.org rbenish@panahcharity.org 501c (3)

موافقتنامه سه جانبه بندر چهار نهایی شد

۱۲ اپریل /دهلی نو- صدای امریکا: در دومین نشست تکنیکی میان نمایندگان افغانستان، هند و ایران موافقتنامه سه جانبه چهارپار برای ایجاددهلیز ترانسپورتی و ترانزیتی بین المللی میان این کشورهاروز گذشته در مقر وزارت امور خارجه هند، نهایی و آماده امضاء در سطح مقامات عالیه این کشورها شد. درین نشست از افغانستان نمایندگان وزارت های امور خارجه، تجارت و صنایع، مالیه، ترانسپورت و هوانوردی ملکی، اداره خط آهن و سفارت افغانستان در دهلی جدید اشتراک ورزیده بودند. ریاست هیئت مذاکره کننده را وحیدالله ویسی، رئیس همکاری های اقتصادی وزارت امور خارجه، به دوش داشت.

بندر چهارپار در ولایت سیستان بلوچستان، در ایران موقعیت داشته که از آن میتواند باعث توسعه تجارت دریایی میان کشورهای منطقه گردد. استفاده از بندر چهارپار میتواند کاهش چشمگیری در زمان و قیمت انتقال اموال تجار تی این کشورها به وجود آورد بر علاوه اتصال کشورهای آسیای جنوبی با آسیای مرکزی، کشور های خلیج و آسیای مرکزی و حوزه قفقاز را نیز با هم وصل نماید.

درین نشست، هر سه جانب توافق نمودند تا یک کمیته فرعی در چار چوب این موافقتنامه ایجاد شود تا پروتوکول های ترانزیتی، بندری، موضوعات گمرکی و امور قسولی را بعد از امضای موافقتنامه، در مدت شش ماه تهیه نمایند.

در انفجاری ۱۲ نفر شهید و ۲۸ نفر زخمی شدند

۱۱ اپریل /نگرهار- باختر: در اثر انفجار مواد جاسازی شده کنار جاده در دو سر که ولسوالی سرخورد ولایت ننگرهار بعد از جاشت امروز ۱۲ نفر شهید و ۲۸ نفر زخم برداشتند. رویداد زمانی رخ داد که یک واسطه کاستر حامل کارمندان و سربازان اردوی ملی پایک زنج پراز مواد منفجره اصابت کرد در میان شهدا و زخمیان این رویداد افراد ملکی نیز شامل است.

۲۶ طالب مسلح در قندز کشته شدند

۱۱ اپریل /قندز- باختر: فرقه بیست پامیر از کشته شدن ۲۶ طالب در جریان عملیات هوایی نیروهای ناتو در ولایت قندز خبر داد پاره های ائتلاف بین المللی و نیروهای هوایی وزارت دفاع دیشب در ساحات تلو که مرکز ولایت قندز، ولسوالی دشت ارچی و ولسوالی چهاردره به مخفیگاههای شورشیان طالب حمله کردند که طی آن ده ها طالب هم زخم برداشتند.

برکناری مقامات ولسوالی رستاق ولایت تخار

۱۴ اپریل /تخار- بی بی سی: در نتیجه درگیری میان افراد یک عضو شورای ولایتی تخار و افراد مسلح وابسته به یک عضو پیشین مجلس افغانستان عصر دیروز در ولسوالی رستاق، یک عضو شورای ولایتی و سه تن دیگر کشته شدند. در خبرنامه مربوطه آمده که یک هیئت با صلاحیت برای بررسی درگیری به ولسوالی رستاق وارد شده و برای تامین امنیت، نیروهای امنیتی بیشتری به آن ولسوالی اعزام شده است.

امروز ده ها تن رستاقها در اعتراض به کشته شدن آقای رستاقی جسد اورا با خود به مقابل ساختمان ولایت تخار آورده و مدعی بودند که عامل اصلی این رویداد پیرم قل ضیایی، عضو پیشین مجلس و از فرمانده حزب جنبش ملی اسلامی افغانستان و افراد وابسته به او است.

آقای ضیایی دست داشتن افرادش را در کشتن رستاقی رد کرده و گفت این قتل توسط یک گروه مسلح محلی انجام شده است. مقامات محلی نیز ادعا دارند که طرف درگیری، حاجی عین الدین از وابستگان ضیایی است؛ آنان تأکید می کنند که این قتل به دلیل خصومت های گذشته میان آنان صورت گرفته است. تظاهرات طرفداران و کيل کشته شده شورای ولایتی بعد از اعلام برکناری مقام های ارشد ولسوالی رستاق پایان یافت. ولسوال، فرمانده پلیس، مسئول امنیت و شهردار این ولسوالی برکنار و به دادستانی معرفی شده اند. منابع محلی گفته که جنگ میان افراد عین الدین رستاقی و حاجی عین الدین زمانی بر سر ساخت یک ساختمان تجار تی در شهر رستاق آغاز شد.

ولسوالی رستاق یکی از پرجمعیت ترین ولسوالی های تخار به شمار می رود که به گفته منابع محلی افراد مسلح غیرمسئول به طور گسترده در این ولسوالی فعالیت دارند.

تأکید بر توسعه همکاری میان افغانستان و قرغزستان

۱۴ اپریل /کابل- باختر: صلاح الدین ربانی وزیر امور خارجه دیروز، در حاشیه نشست شورای وزیران امور خارجه سازمان همکاری های اسلامی برای آمادگی به نشست سران کشورهای عضو این سازمان در شهر استانبول ترکیه، با ارلان عبدالدایف وزیر امور خارجه قرغزستان دیدار کرده و به توسعه همکاری ها میان دو کشور صحبت کرد.

در این دیدار، دو طرف پیرامون تعمیق روابط دوستانه، توسعه همکاری های دوجانبه و استفاده از فرصتهای موجود برای تحکیم روابط تجار تی و همکاری اقتصادی در سطح منطقه بحث و تبادل نظر نمودند.

در پایان دیدار، وزیر امور خارجه قرغزستان از وزیر امور خارجه افغانستان مجدداً دعوت نمود تا از آن کشور دیدار رسمی به عمل آرد. وزیر امور خارجه افغانستان، ضمن ابراز سپاس از دعوت وزیر امور خارجه قرغزستان، وعده سپرد که در فرصت مناسبی به آن کشور سفر خواهد کرد.

به نقل از ین منبع، شخصی به نام مطیع الله اباسین که در پست ریاست آژانس باختر باخلیل مینویی رئیس کنونی این ریاست در یک رقابت آزاد امتحان داد، با دخالت هارون حکیمی، آقای اباسین برنده اعلان شد.

در امتحاناتیکه برای جذب کارمند در این وزارت برگزار میشود، هارون حکیمی در اکثر موارد پرسش و پاسجهای امتحانات را به افراد مورد نظرش داده و آنانرا برنده اعلام می کند. این منبع در وزارت اطلاعات و فرهنگ تأیید میکند که آقای هارون حکیمی پرسسها و پاسخهای امتحان برای بهدست آوردن پست ریاست آژانس خبری باختر را قبل از امتحان به مطیع الله اباسین داده بود.

باری جهانی وزیر اطلاعات و فرهنگ و هارون حکیمی مشاور رسانه ای، سخنگو و رئیس دفتر آقای جهانی از نزدیک به دوهفته بدینسودر ایالات متحده امریکا بسر می برند و باتلاشهای فراوان موفق به دریافت پاسخ در رابطه به موارد متذکره از سوی این دومستول وزارت اطلاعات و فرهنگ نشدیم.

طالبان امروز از آغاز عملیات بهاری شان خبر دادند.

۱۲ اپریل /کابل- صدای امریکا: طالبان امروز اعلام کردند عملیات بهاری شانرا زیر نام (عملیات عمری) در افغانستان آغاز نمودند که به نام بنیان گذاران ملا عمر آخند، نامگذاری شده است. اما نهادهای امنیتی میگویند این گروه تلاش دارد با راهاندازی چنین تبلیغاتی، شکست های سال گذشته شانرا اجرا کند و در بین مردم نگرانی خلق نماید. سخنگوی وزارت داخله این اعلان را تبلیغ روانی خوانده گفت این گونه تبلیغات جایی راتخواهد گرفت، زیرانیروهای امنیتی افغان بصورت قاطع در برابر این گروه مبارزه خواهند کرد. صدیقی افزود نیرو های افغان از سه هفته به اینسو عملیات (شفق) را با تمرکز بر مواضع گروههای دهشت افکن آغاز کرده اند، اهداف حملات طالبان همیشه اماکن عامه و غیر نظامیان بوده و امسال نیز همینگونه خواهد بود. صدیقی مدارس پاکستانی را منبع ترویج افراطیت و تهدید برای افغانستان و منطقه خواند و گفت دهشت افکنان هنوز هم از فضای مناسب و منابع قوی در آن سوی خط دیورند برخوردار اند. مقامهای افغان در حالی عملیات نظامی طالبان را تبلیغات میخواند که به گفته فرمانده ناتو در افغانستان سال گذشته کم از کم ۵۵۰۰ سرباز افغان در جنگ کشته و بیش از ۱۴ هزار سرباز دیگر زخمی شده است.

سخنگوی وزارت دفاع افغانستان گفت در حال حاضر در ده ولایت ۱۶ عملیات تهاجمی برضد مخالفین مسلح جریان دارد و در کنار آن شبانه نیروهای خاص از ۵ تا ۵۰ عملیات را بر اساس اطلاعات استخباراتی از حضور مخالفین در نقاط مختلف افغانستان انجام می دهند.

حکومت وحدت ملی، مشروعیت ۲ساله دارد

۱۱ اپریل /بلخ- صدای امریکا: عطا محمد نور سرپرست ولایت بلخ و رئیس اجرایی حزب جمعیت اسلامی میگوید حکومت وحدت ملی، با گذشت دو سال از تشکیل آن، مشروعیت خود را میبازد. مدت کار حکومت وحدت ملی، پنج سال نیست. کس بخواد یا نخواهد، دوسال عمر حکومت پوره میشود، توام با چالش است. نمیشود که ملت را بازی داد.

جان کری وزیر خارجه ایالات متحده اخیراً در بازدیدش از کابل تصریح نمود که مدت کاری حکومت وحدت ملی با تکمیل دو سال، ختم نشده و چنین چیزی در توافقتنامه ایجاد این حکومت درج نیست.

اما سرپرست ولایت بلخ با انتقاد از گفته های کری میگوید نیاز بود تا آقای کری کارکردهای دو ساله حکومت وحدت ملی را به بررسی میگرفت، تا دوام و زمان کاری این حکومت. نور افزود گویا هیچیک از موارد توافقنامه حکومت وحدت ملی عملی نشده و صلاحیت های رئیس اجراییه نیز به آقای عبدالله قویض نگردیده است. او افزود که در طول دو سال، توافقاتی که صورت گرفته بود عملی نشده است.

اصلاح نظام انتخاباتی و تدوین لویه جرگه قانون اساسی از مواد اساسی موافقت نامه سیاسی میان غنی و عبدالله بود؛ اما تا کنون عملی نشده است.

شماری از مقامات دیگر نیز بر موضعگیریهای رهبران حکومت وحدت ملی و گفته های وزیر خارجه امریکا انتقاد کرده اند. فضل هادی مسلمیار رئیس مجلس سنا گفت: این وظیفه هر دو رهبر بود تا به مردم اطمینان میدادند. پیام دادن جان کری در این مورد، مداخله صریح در امور افغانستان بوده است.

عبدالله عبدالله رئیس اجراییه افغانستان روز دوشنبه در نشست شورای وزیران هنگام یادآوری سفر جان کری وزیر خارجه ایالات متحده امریکا به کابل و اشاره به حمایت واشنگتن از حکومت افغانستان گفت، متعجب شده که شماری از سیاستمداران افغان، موافقتنامه سیاسی حکومت وحدت ملی را به درستی ننخوانده اند. عبدالله در نشست شورای وزیران گفت: (توقع ما این بود که حد اقل همین موافقتنامه را به دقت – کسانی که به سرنوشت سیاسی افغانستان می خواهند نقش داشته باشند – از نظر مرور میکردند.)

قانون شکنی وسوء استفاده ... (دنباله از صفحه اول)

در همین حال منابعی در وزارت اطلاعات و فرهنگ از داشتن تابعیت امریکایی باری جهانی خبر داده میگویند او هنگام معرفیش بیحت نامزد وزیر اطلاعات و فرهنگ به پارلمان، از حذف تابعیت امریکایی اش سخن زده و به پارلمان و مردم افغانستان در این مورد اطمینان داده بود، اما اکنون جهانی با پاسپورت امریکایی به ایالات متحده امریکا سفر کرده است. یک منبع موثق که از ذکر نامش خودداری کرد، میگوید باری جهانی به تاریخ ۲۰ سپتمبر ۲۰۱۵ جهت اشتراک در یک کنفرانس سه روزه به کولمبیا رفته و از آنجا با پاسپورت امریکاییش به امریکا سفر کرد. به نقل از ین منبع، جهانی در جریان سفر به امریکا، در اثر حادثه ترافیکی یک هفته تحت مراقبت جدی صحنی بوده و پس از ۲۵ روزه کابل برگشته بود. با اینحال عبدالقادر زازی وطن دوست، عضو کمیسیون امور بین الملل پارلمان میگوید تابعیت امریکایی باری جهانی که در هنگام معرفی بیحت نامزد وزیر گفته بود آنرا از ین برده است، زیر سؤال قرار دارد. آقای وطن دوست می گوید: افراد زیادی به ما گفته اند که باری جهانی پاسپورت امریکایی دارد و تابعیت دوشم را از دست نداده است. ما در حال تعقیب کردن هستیم و همینکه اسناد بدست آوریم ضمن سلب صلاحیت، ویرانه سارنوالی نیز معرفی می کنیم. وطن دوست افزود تمام وزرا هنگام گرفتن رای در پارلمان تهدید کردند که تابعیت های دوم شانرا از ین برده باشد که ره افغانی کار و فعالیت میکنند و در صورتیکه شان را بشکنند، باید سلب صلاحیت شده و به سارنوالی معرفی شوند.

وزیر اطلاعات و فرهنگ در حالی با تابعیت افغانی و امریکایی وزارت میکند که فقره ۷۲ قانون اساسی در مورد معیارهای انتصاب افراد بعنوان وزیر میگوید: شخصیکه به حیث وزیر تعیین می شود تنها حامل تابعیت افغانستان باشد. در همین حال یکن از مسئولان وزارت اطلاعات و فرهنگ که نمی خواهد از وی نام برده شود به روزنامه اصبح گفت تخلف در برخی از قراردادی ها از جمله قرارداد ترمیم آثار باستانی که از سالها بدینسو به دست فرانسویها بود، توسط یکن از مشاوران وزیر، بدون آگاهی وزیر، معاونان وزارت و سفارت فرانسه، با شرکتی به نام گلوبل انجام شده که درین قرارداد تخلف صورت گرفته است. سفارت فرانسه در پیوند به این قرارداد اعتراض کرد، اما وزیر اطلاعات و فرهنگ هیچ گونه عملکردی در برابر این قرارداد انجام نداد.

سخنگو، همه کاره وزارت: منابعیکه در این وزارت از ذکر نام شان خودداری کرده اند میگویند باری جهانی امور این وزارت را بهدست یکی از دستیارانش که همزمان در سه پست (سخنگو، رئیس دفتر و مشاور) کار میکند سپرده است. به نقل از ین منابع شخصی بنام هارون حکیمی که قرارداد کارش بر اساس حکم ریاست جمهوری تا ختم سال مالی ۱۳۹۴ بود و باید با ختم قرارداد، پست مشاوریت رسانه وزارت اطلاعات و فرهنگ که حکیمی در آن معرفی شده بود توسط ریاست منابع بشری این وزارت به اعلان و رقابت آزاد گذاشته میشد که این کار صورت نگرفته و هارون حکیمی هم چنان از بودجه وزارت ماهانه صدهزار افغانی معاش میگیرد. این منابع می افزاینند، هارون حکیمی از به اعلان رفتن پست کاری اش که بر اساس قرارداد معرفی شده بود جلو گیری کرد، و پست سخنگو و ریاست دفتر وزارت اطلاعات و فرهنگ را نیز انحصار کرده است.

اسناد بدست آمده نشان می دهد که هارون حکیمی، ضمن سوء استفاده از صلاحیت و کارشکنی در امور کاری وزارت اطلاعات و فرهنگ، تلاشهایی برای محدود کردن آزادی بیان در این وزارت نیز روی دست گرفته است. مکتوبی که کابی آن در اختیار روزنامه اصبح قرار گرفته، نشان میدهد که وزارت اطلاعات و فرهنگ از تمامی روسا و کارمندانش خواسته تا قبل از صحبت کردن با رسانه ها و خبرنگاران با دفتر سخنگوی وزارت اطلاعات و فرهنگ در تماس شوند. در مکتوب شماره ۳۹۷۵ تاریخ ۷.۷.۱۳۹۴ از آدرس وزارت اطلاعات و فرهنگ به تمام کارکنان این اداره نگاشته شده: (بدین وسیله به شما هدایت داده میشود تا منبعی هیچگونه مصاحبه ای را بدون تاهم قبلی با محترم هارون حکیمی مشاور رسانه ای و سخنگوی مقام وزارت انجام ندهید.)!

عبدالمجیب خلو نگر، رئیس موسسه نی، حمایت کننده رسانه های آزاد افغانستان میگوید: این دستور وزارت اطلاعات و فرهنگ خلاف ماده ۳۴ قانون اساسی است که آزادی بیان را تضمین میکند. مشاور رسانه ای وزارت اطلاعات و فرهنگ آقای حکیمی ضمن اینکه یک شخص (مطلق العنان) است، هیچگونه تجربه و دانش در زمینه کاری اش ندارد. خلو نگر می افزاید پس از اینکه مکتوبی مبنی بر محدود کردن صحبت کارمندان این وزارت با رسانه ها توسط هارون حکیمی منتشر شد، موسسه نی تلاش کرد جلوی این قانون شکنی وزارت اطلاعات و فرهنگ را بگیرد، اما مسئولان وزارت به درخواست دفتر نی اهمیتی قابل نشده و اقدامات دیگری نیز علیه آزادی بیان انجام دادند. مسئول دفتر نی همچنان از وزارت اطلاعات و فرهنگ میخواهد تا هر چه زود تر مکتوب متذکره و هدایات مزبور را لغو نموده و عملکرد خویش را مبتنی بر قانون اساسی عیار کند.

در عین حال، یک منبع موثق وزارت اطلاعات و فرهنگ گفت به تاریخ ۹ دسمبر کشور چین نزدیک به ۱۰ تن از خبرنگاران افغانستان را در یک سفر رسمی به آنکشوردعوت کرده بود که وزارت اطلاعات و فرهنگ، اجمل جهانی پسر باری جهانی، نجیب الله وردک و عبدالهادی پوپل دو کارمند یک شرکت خصوصی تجار تی را با شماری دیگر از همکاران و دوستان شان بعنوان خبرنگار به چین فرستاده اند.

سوء استفاده از صلاحیت و تصفیه قومی: اسناد ارایه شده توسط منابع موثق در وزارت اطلاعات و فرهنگ نشان میدهد که مشاور رسانه ای وزیر که پست های سخنگویی و ریاست دفتر را نیز به عهده دارد، پس از ورود به این وزارت دست به تصفیه قومی زده و کارمندان سابقه دار این وزارت را برکنار و افرادی از نزدیکان و آشنایانش را گماشته است. منبع میگوید تا کنون ۱۳ تن از روسای ادارات و ۶ راینز فرهنگی وزارت اطلاعات و فرهنگ در کشورهای مختلف را برکنار و افرادی از تبار و تیم مشخص را جایا کرده است. این منبع میگوید هارون حکیمی با دخالت در امور وزارت اقدامات غیرقانونی دیگری را نیز انجام داده است.

امید را برای دوستان تان اشتراک کنید.

مطمئن باشید از شما ممنون می شوند .